فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۲۰، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۵، صفحات ۱۰۰-۶۷

گفتمان توسعه در جنبش دانشجویی ایران (مطالعه موردی: دفتر تحکیم وحدت)

حدا داوری[۱]، دکتر احمدرضا اصغرپور ماسوله[۲]، دکتر مهدی کرمانی[۳]، دکتر روح‌الله اسلامی[۴]

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۸

چکیده:

هدف این مقاله بررسی گفتمان توسعه در جنبش دانشجویی و به‌طور مشخص دفتر تحکیم وحدت است. نظر به نقش تاریخی و ماهوی جنبش دانشجویی، بررسی گفتمانی آن در حوزه مفاهیم سرنوشت‌ساز مانند توسعه به‌عنوان یک کل منسجم، حائز اهمیت است. بررسی گفتمان‌ها از منظر انتقادی، امکان بررسی گفتمان از منظر نشانه‌شناختی قدرت و همچنین تغییرات گفتمانی بر بستر تغییرات سیاسی و اجتماعی سطح جامعه را فراهم می‌کند. مبتنی بر نظریه فرکلاف و دیدگاه انتقادی او و روش تلفیقی فرکلاف و موفه، بیانیه‌های و کنش‌ها و مصاحبه‌های افراد تأثیرگذار این دفتر، مورد بررسی قرار گرفت. متون نمونه بر مبنای نمونه‌گیری شدت، سیاسی و نظری مشخص شدند و در سه سطح توصیف یا بررسی ویژگی‌های صوری متن، تفسیر یا بررسی گفتمان‌های حاضر در متن و استفاده از روش لاکلا و موف در خصوص مشخص ساختن برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، قابلیت دسترسی و هم‌ارزی‌های حاضر در متن و همچنین تبیین یا بررسی گفتمان‌های حاضر در متن با شرایط سیاسی و اجتماعی در جامعه؛ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. تحلیل نتایج نشان می‌دهد گفتمان دفتر تحکیم را می‌توان در سه دوره دهه ۶۰ تا اویل دهه ۷۰، دهه ۷۰ و دهه ۸۰ تقسیم‌بندی کرد. در دوره اول رویکرد وابستگی به توسعه دیده می‌شود، عدم حضور دال توسعه چشمگیر است، ارزش محوری آن اسلام فقاهتی است و شکل مطلوب دولت، حکومت متعهد به اسلام است و مردم در قالب امت اسلامی دیده می‌شوند. دوره دوم، رویکرد سوسیال دموکراسی به توسعه دیده می‌شود، توسعه سیاسی مورد تأکید است و ارزش محوری آن جامعه مدنی و قانون‌گرایی است و شکل مطلوب دولت در آن مردم‌سالاری دینی است و مردم به‌صورت شهروندان دارای حق نگریسته می‌شوند. دوره سوم، نگرش به توسعه با رویکرد لیبرالیسم قرابت دارد و توسعه فرهنگی و اجتماعی مورد تأکید است و ارزش محوری آن مقاومت مدنی و شکل مطلوب دولت، جمهوری است. در این دوره مردم به‌عنوان شهروندانی دارای کنش تأثیرگذار در نظر گرفته می‌شوند.

مفاهیم کلیدی: *تحلیل گفتمان، توسعه، تحکیم وحدت، جنبش دانشجویی*

---

[۱] دانشجوی دکترا جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران hoda_davary@yahoo.com

[۲] استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) asgharpour@um.ac.ir

[۳] استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران m-kermani@um.ac.ir

[۴] استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران eslami.r@um.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

دانشگاه در مقام عرصه عمومی جایگاه مناسبی برای به چالش کشیدن نظم‌های موجود و مورد سؤال قرار دادن روابط و توزیع قدرت موجود است. حوزه عمومی به‌مثابه جایگاهی حقیقت‌یاب و حقیقت ساز در هر جامعه‌ای می‌تواند بستر مناسبی برای تولید و انباشت اطلاعات و در پی آن ایجاد و تأمین معنا باشد. این ویژگی دانشگاه در تولید معنا بسیار اهمیت دارد و می‌تواند گفتمان ساز باشد. نقش گفتمان ساز بودن دانشگاه و دانشجویان با توجه به جایگاه خاص دانشجویی که نتیجه سن و جایگاه نقشی اوست، مضاعف می‌شود. جایگاه دانشجو به‌واسطه رهایی بالنسبه از مجاری ثروت و قدرت خواسته‌های آرمان‌خواهانه‌ای را دنبال می‌کند که گاه خواسته‌ها و آرمان‌هایش، ایدئال های جامعه نیز می‌شود.

سابقه کنش‌گری دانشجویی در ایران نشان‌گر این است که در اکثر جنبش‌های ملی، جریان دانشجویی توانسته نقش پیشرو را بازی کند (*Katouzian, 1993*). کنکاش جنبش‌های ملی ایران، به‌طور مثال جنبش ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی و جنبش دوم خرداد نشانگر نقش گفتمان ساز و آگاهی‌بخش جریان‌های دانشجویی است. مرور تاریخی شعارهای اصلی جنبش‌های ملی کشور نقش مرجعیت دانشجویان را در این جنبش‌ها بیشتر نشان می‌دهد. به‌طور مثال استعمارستیزی و ضدیت با امپریالیسم که از خواست های جنبش دانشجویی ۱۳۳۲ بود، به خواست عمومی بدل شد؛ و یا درخواست رفتن شاه و انقلاب برای دگرگونی نظام سیاسی، نیز از دل جنبش دانشجویی به‌عنوان مطالبه عمومی مطرح شد. همچنین خواست اصلاحات در نظام سیاسی و تقویت بخش انتخابی نظام و برقراری فضای باز سیاسی و اجتماعی و تقویت جامعه مدنی در سال ۱۳۷۶ همگی مطالبات اصلی و گفتمان‌های غالب جنبش‌های دانشجویی بود که با جنبش‌های عمومی و ملی و اقبال مردم هم همراه شد.

با توجه به نقش ویژه تاریخی و ماهوی جنبش دانشجویی، بررسی گفتمانی آن در حوزه مفاهیم سرنوشت‌ساز مانند توسعه حائز اهمیت است. مثال‌های تاریخی نشان داده است که تأثیرات این فعالیت‌ها بر امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه، به‌ویژه در کشورهایی که روند سریع توسعه را طی نموده‌اند بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است. گفتمان جنبش دانشجویی گاهی رویکرد کاملاً مشخص و ایجابی نسبت به توسعه داشته‌اند و گاهی عدم حضور دال‌های توسعه و رویکردی در جهت طرد مبانی توسعه، در گفتمانشان به چشم می‌خورد. تشخیص این رویکرد و وجوهی که از توسعه مورد تأکید این گفتمان‌هاست، می‌تواند راهگشا باشد. توسعه مفهومی است که مبنای بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشورها است. تعاریف مختلف از مفهوم توسعه سبب تغییرات متفاوتی در

ساخت کشور وزندگی مردم گشته است. این گفتمان‌ها گاه مفاهیمی مانند افزایش رفاه مادی و رشد اقتصادی را مرکز توجه قرارمی دهند و یا تمرکز کامل بر نسخه بومی را به‌عنوان دال مرکزی برمی‌گزینند و گاه افزایش امنیت و آزادی را و حتی گاهی نشر دانش و معارف محلی و فرهنگ‌عامه را به‌عنوان دال مرکزی توسعه برمی گزینند. این تنوع در گفتمان‌های توسعه سبب می‌شود نتایج متفاوتی از کاربست این مفهوم در عمل حاصل آید. مفهومی از توسعه که در این پژوهش مورد تأکید است پدیده‌ای چندجانبه و پیش‌رونده در وجوه مختلف است. گفتمان‌های حاکم برکنش گری دانشجویی و مفهومی از توسعه که در این گفتمان‌ها وجود دارد، به‌عنوان معنایی برای ساخت فرهنگ سیاسی کاربرد دارد، همچنین از طریق جهت‌گیری‌ها این کنش گری در عرصه عمومی توان این را دارد که در رویکرد حکومت به توسعه نیز مؤثر باشد. نظر به اهمیت گفتمان سازی و تأثیرگذاری بر برنامه حکومتی، لازم به نظر می‌رسد که نسبت گفتمان دانشجویی با مفهوم توسعه به‌عنوان کلیدی‌ترین عنصر پیشرفت کشور مورد کنکاش قرار گیرد. تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی از منظر توسعه مشخص می سازد این جنبش با چه مفهومی از توسعه، گفتمان سازی می کند و یا چه مفهومی از توسعه را طرد می کند. همچنین می توان سیر تغییر گفتمان جنبش را در طول مسیر زمانی شناسایی نماید. این مهم، از سوی دیگر با توجه به گفتمان ساز بودن دانشگاه به عنوان عرصه عمومی، مسیر دسترسی به گفتمان توسعه در عرصه سیاسی را نیز هموار می سازد. این پژوهش سعی می کند به سوالات بررسی چیستی دال های اصلی گفتمان کنشگری دانشجویی در سایه این تشکل و همچنین جایگاه مفهوم توسعه در این گفتمان پاسخ دهد. از سویی در تلاش است سیر تطور گفتمانی این تشکل در خصوص توسعه را مشخص سازد.

پیشینه پژوهش

اکثر مقالات مرتبط به جنبش دانشجویی به بررسی گفتمان و محتوای جنبش‌های مختلف پرداخته‌اند و سعی کرده است هسته‌های مرکزی این گفتمان‌ها را مشخص سازند، چیزی که در این میان غایب به نظر می‌رسد نسبت این گفتمان با مفهوم توسعه به‌عنوان دال اصلی برای پیشرفت هر کشور است. برای روشن تر شدن حوزه مورد بررسی، مرور کوتاهی بر پژوهش‌هایی که گفتمان جنبش دانشجویی را در سراسر دنیا بررسی کرده‌اند، داشته‌ایم و پس از آن پژوهش‌هایی که با نگاهی گفتمانی به مفهوم توسعه در ایران انجام شده است را، مرور مختصری کرده‌ایم. این مرور تجربی در جهت شناسایی مسیر گفتمانی جنبش‌های دانشجویی بطور کلی یاری‌گر است، از سویی جایگاه توسعه را در گفتمان‌های رسمی کشور مشخص می‌سازد.

الف) تحقیقات داخلی

جنبش دانشجویی ایران نیز چه در تحقیقات داخلی و چه تحقیقات خارجی، به لحاظ اهمیت آن در روند سیاسی کشور و همچنین تأثیرگذاری آن بر مناسبات ایران با کشورهای دیگر، مورد بررسی قرار گرفته است. محمدی (۲۰۰۷)، در تحقیقی با عنوان سیاست دانشجویان ایران در دوره پس از اصلاحات با روش تحلیل گفتمان، به بررسی بیانیه‌های سازمان دانشجویی در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ می‌پردازد. گفتمان‌های موجود در این جنبش را عدالت اجتماعی، سنت، توتالیتاریسم، کثرت‌گرایی و دموکراسی اسلامی معرفی می‌نماید. و قدرت این گفتمان‌ها در شکل‌دهی جامعه سیاسی ایران با اهمیت می‌داند.

مشایخی (۲۰۰۱)، به تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی جنبش دانشجویی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. به‌طور خاص نقش دفتر تحکیم وحدت را در بسیج جنبش، انتخابات خرداد ۷۶ و فرهنگ جدید جنبش در حوزه قانونی و سیاسی می‌پردازد.

ریوی‌ای[1] (۲۰۱۲)، با توجه به اهمیت فعالیت‌های جنبش دانشجویی ایران در مناسبات خارجی این کشور، به بررسی جنبش دانشجویی ایران در پرداخته است. او پردیس دانشگاه را اولین زمینه برای آموزش سیاسی می‌داند. جایی که خط و منش سیاسی افراد برای فعالیت‌های سیاسی بعدی او مشخص می‌شود. او همچنین به تعامل بین حکومت و جنبش دانشجویی از منظر استخدام سیاسی و توزیع قدرت می‌پردازد.

جلایی‌پور (۱۳۸۹)، نیز تجربه جنبش دانشجویی ایران را از پنج منظر نظری، مورد بررسی قرار دهد و دلایل افول فعالیت‌های دانشجویی در دوره اصلاحات یعنی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ توضیح می‌دهد.

کچوئیان و کلانتری (۱۳۹۲)، با استفاده از نظریات گفتمانی فوکو به مفهوم‌سازی و دوره‌بندی گفتمانی دفتر تحکیم وحدت پرداخته‌اند. پنج دوره گفتمانی از تطور از گفتمان اسلام ناب تا صورت‌بندی تفرق شدید میان دو گفتمان مدرن و اسلام ناب را تصویر کرده‌اند.

در زمینه مفهوم توسعه و معنایی که از آن در حوزه‌های تأثیرگذار بر پیشرفت کشور مراد شده است، تحقیقات داخلی که به این موضوع پرداخته‌اند را بررسی کرده‌ایم.

هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۹۲)، در «گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی» با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف به بررسی گفتمان عدالت در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب پرداخته‌اند. ایشان بدین منظور گفتمان عدالت را با

[1] Rivetti

توجه به سه دولت سازندگی، دولت اصلاحات و دولت احمدی‌نژاد مورد بررسی قرار داده‌اند و مرکزیت و شناور بودن دال عدالت اجتماعی را در برنامه‌های هر سه دولت مشخص نموده‌اند.

اباذری و روز خوش (۱۳۹۶)، در «چپ اسلامی و توسعه لیبرالی (مورد مطالعه: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)» به بررسی رویکرد جناح چپ سنتی به توسعه بعد از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش از نوع مطالعه موردی است و از روش تحلیل سند و تحلیل مضمون بهره برده است. اباذری و روز خوش روند تغییرات نگاه چپ سنتی را نسبت به توسعه موردبررسی قرار می‌دهند و سعی می‌کنند نسبت اتفاقات سیاسی و اجتماعی را در سطح کشور با تغییر نگاه و گفتمان جناح چپ سنتی نسبت به توسعه مشخص نمایند. تغییر نگاهی که از چپ بودن سنتی از حوزه اقتصادی تا نزدیک شدن به مواضع راست گرایانه در این حوزه را نشان می‌دهد.

کردزنگنه و همکاران (۱۳۹۹)، در «تحلیل گفتمان معنای توسعه جوامع روستایی در برنامه‌های پنج ساله دولت بعد از انقلاب اسلامی در ایران» با استفاده از روش تلفیقی فرکلاف و لاکلاو موف به بررسی برنامه‌های ۵ ساله توسعه پرداخته است. این تحقیق عنوان می‌کند عوامل تبیینی مؤثر بر معنای توسعه روستا در گفتمان دولت‌ها، رویکرد از بالا به پایین، اتکا به اقتصاد نفتی و پیشینه اقتصاد روستایی بوده است. در این تحلیل مشخص شد فرایند توسعه از پایین و بخشی‌نگری از دال‌های غائب این گفتمان بوده است.

فرقانی (۱۳۸۱)، در «تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران» با استفاده از روش تحلیل گفتمان فرکلاف و ون دایک، هشت دوره تاریخی از سال مشروطه تا دوم خرداد ۱۳۷۶ را از منظر مؤلفه‌های توسعه سیاسی، مورد بررسی قرار داده است. شاخص‌های توسعه سیاسی را آزادی، قانون‌گرایی، جامعه مدنی، کثرت‌گرایی، رقابت و مشارکت سیاسی استخراج کرده است و در پایان نتیجه گرفته است این شاخص‌ها در دوران دوم خرداد ۱۳۷۶ بیشتر در گفتمان مورد تبلیغ دیده می‌شود.

ب) تحقیقات خارجی

Kohl & Heinecke (2018) در پژوهشی با نام: آموزش عالی بعد از نئولیبرالیسم: کنشگری دانشجویی به‌عنوان چراغ هدایت، به تحلیل گفتمان‌های فعالیت‌های دانشجویی در دانشگاه‌های آمریکا در خصوص گفتمان نئولیبرال حاکم بر آموزش عالی می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند سه گفتمان نقد دانشگاه نئولیبرال، مقاومت در برابر آن و ایجاد گفتمان مخالف آن در فعالیت‌های دانشجویی دانشجویان دیده می‌شود؛ همچنین *Carter & Robin (2019)* با

بررسی پدیدارشناسانه فعالیت‌های دانشجویی در دانشگاه‌های نئولیبرال، عنوان می‌کنند شعارهای غیر سیاسی و مصرف‌زده کردن زندگی دانشجویی از ویژگی‌های نئولیبرالیسم برای زندگی دانشجویان است و این ویژگی‌ها بر روند کنشگری دانشجویی تأثیر می‌گذارد. دانشجویان فعالیت‌هایشان را از منظر استعاره‌های مصرف‌کننده شکل می‌دهند و با همین گفتمان سعی می‌کنند تا به سیاست‌گذاری و پیکربندی کنشگری خود در محیط دانشگاه بپردازند.

Joseph Ibrahim (2015) به تحلیل اعتراضات دانشجویان انگلستان در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ پرداخته‌اند. محور اصلی این اعتراضات، کاهش هزینه‌های دولتی در حوزه آموزش عالی و اجازه این نهاد برای گرفتن شهریه از دانشجویان بود. هاپکینز سعی می‌کند پس از شناخت دال اصلی گفتمان، تأثیر فضای مجازی را در ساماندهی این اعتراضات را بررسی کنند.

Joseph Ibrahim (2011)، نیز با بررسی این اعتراضات دانشجویی، به چگونگی بسیج سیاسی در این اعتراضات می‌پردازد و این اعتراضات را در راستای اقتصاد اخلاقی معرفی می‌نماید.

Hollands & Rheingans (2012) در پژوهشی با بررسی جنبش اعتراضی انگلستان به ارزیابی انتقادی نظریات بک، گیدنز و اینگلهارت می‌پردازند.

چارچوب مفهومی پژوهش

پژوهش‌های کیفی بر اساس چارچوب مفهومی تعریف می‌شوند و مانند پژوهش‌های کمی در پی نظریه آزمایی نیستند. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم مرتبطی را در برمی‌گیرد که در پژوهش بررسی می‌شوند. این چارچوب سعی می‌کند مفاهیم را در یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به یکدیگر پیوند دهد (*Mohammadpour & Iman, 2008:5*). بررسی نظری این مفاهیم موجب افزایش حساسیت نظری و درک عمیق‌تر مسئله تحقیق و آشنایی با ابعاد مختلف آن می‌شود. با این توضیح، مفاهیم مورداستفاده در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جنبش اجتماعی

جنبش اجتماعی مفهومی است که بر سر تعریف و معنایش نزاع وجود دارد. این عدم اجماع از نوع کنش‌هایی که ذیل این مفهوم قرار دارد تا نحوه شکل‌گیری آن و همچنین سویه و هدف آن را شامل می‌شود. نظریه‌های کلاسیک در حوزه جنبش‌های اجتماعی، تمرکزشان بر تضادهای طبقاتی در شکل‌دهی جنبش بوده است. یک سری از نظریات از دیدگاه بسیج منابع به موضوع جنبش دانشجویی می‌پردازند. اولسون و اوبرشال مطرح می‌سازند که جنبش

اجتماعی در صورتی شکل می‌گیرد که برای کنش گران فایده لازم را داشته باشد. *Anthony Oberschall (1973)* نظریه اولسون را بسط داد و مطرح ساخت که جنبش اجتماعی وقتی به راه می‌افتد که نخبگان و هواداران بتوانند منابع مادی و غیر مادی (مثل نفوذ، تعهد، دوستی و مهارت) را بسیج کنند. نظریه بسیج منابع توسط *Zald & McCarthy* گسترش یافت. ایشان بر سازمان‌های جنبش‌های اجتماعی تکیه نمودند و استدلال نمودند بیش از هر چیز تقویت سازمان‌های اجتماعی است که باعث رشد جنبش‌های اجتماعی می‌شود. *Charles Tilly (1984)* فرصت سیاسی را دارای نقشی تعیین‌کننده در ظهور جنبش‌های اجتماعی می‌داند. این فرصت سیاسی می‌تواند شامل وجود سازوکار مناسب برای تظلم خواهی در ساختار حکومت‌ها مانند ساز و کار انتخاباتی باشد و یا منافع نخبگان حرفه‌ای در دولت و احزاب که در ایجاد تسهیلات و کنترل جنبش‌ها نقش دارند، نیز در زمره فرصت‌های سیاسی قرار می‌گیرد. همچنین منابع کنش جمعی کنش گران جنبش مانند توانایی برگزاری تجمع، اعتصاب یا سازمان دادن گروه‌های فشار نیز از جنس فرصت‌های سیاسی است که باعث شکل‌گیری و تقویت یک جنبش می‌شود. گروهی از نظریه‌پردازان ظهور جنبش‌ها را در تغییر ساختار طبقاتی جوامع سرمایه‌داری جدید می‌بینند. این نظریه‌پردازان استدلال می‌کنند طبقات متوسط جدید و گروه‌های کالایی نشده برای مقاومت در برابر عقلانیت ابزاری جنبش‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. این جنبش‌ها از طریق نقد عقلانی و اندیشه ورزی دمکراتیک (یعنی اندیشه‌های مبتنی بر وفاق) حوزه عمومی را تقویت می‌کنند. کلاوس اوفه و هابرماس از این دسته هستند (*Delforouz, 2015:130-175*). چرخش پسامدرن بر تعریف و معنای جنبش‌های اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده است. آلن تورن، آلبرتو ملوچی و مانوئل کاستلز از این دیدگاه جنبش‌های اجتماعی نگاه می‌کنند و هویت را دال مرکزی جنبش‌های اجتماعی جدید معرفی می‌کنند. *Touraine (1981)*، معتقد بود جنبش‌ها در دل حیات اجتماعی جای دارند. جنبش‌های اجتماعی، شکل جمعی عمل کوشندگان در به دست گرفتن کنترل اطلاعات است. در چارچوب این تضاد فرهنگی هویت افراد کوشنده نیز ساخته می‌شود. *Melucci (1989)* نیز مبارزات جنبش‌های اجتماعی جدید را مبارزاتی بر سر هویت می‌داند. فعالان این جنبش‌ها به دنبال کسب قدرت نیستند و بیشتر به ایجاد فضایی برای عقاید اعضای خویش در حوزه جامعه مدنی هستند. *Castles* رشد فزاینده و متنوع جنبش‌ها را در نحوه هویت و معنایابی فرد در ساختار "جامعه شبکه‌ای" که تجربه و معنای زندگی را در معرض تغییر دائم قرار می‌دهد، جست‌وجو می‌کند (*Jalaeipour, 2001:47*). در نظر او هویت به معنای فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای ویژگی‌های

فرهنگی، سرچشمه معنا و تجربه زیستن می‌شود. کاستلز معتقد است جنبش‌های عصر جدید به‌رغم تفاوت‌های جهت‌گیری‌هایشان در این موضوع که هویت مقاومتی دارند، مشترک‌اند (*Delforouz, 2015: 180-185*).

جنبش دانشجویی

فعالیت یا کنشگری را به‌عنوان مشارکت فعال و داوطلبانه افراد در رفتار گروهی به‌منظور ایجاد تغییر در نگرش‌ها، دانش، رفتار یا نمادها تعریف کرده‌اند (*Chambers & Phelps, 1995:5*). این تعریف هر چند مشارکت در گروه را یکی از مؤلفه‌های مهم کنش‌گری می‌داند، اما تأکیدش بیشتر بر تغییر نگرش و رفتار است. *Komives (2010)* کنشگری دانشجویی را در یک طیف دسته‌بندی می‌کند. از یک سطح منفعل درگیری مانند آگاهی از موضوعات صنفی و محلی، منطقه‌ای یا ملی تا کنش گری فعال که شامل شرکت فعالانه در تجمع‌ها و اعتراضات به آگاهی‌های به‌دست‌آمده است. کنش گری دانشجویی ابزاری برای آموزش فرایندهای دمکراتیک، شهروندی و رهبری به دانشجویان است. *Kezar & Maxey (2014)* معتقدند محیط دانشگاهی که از فعالیت‌های دانشجویی را حمایت می‌کنند و بستر مناسب برای این امر را فراهم می‌کنند، می‌توانند آموزگاران خوبی برای ارزش‌های دمکراتیک در جامعه باشند سبب درونی شدن این ارزش‌ها برای شهروندان شوند. *Stekelenberg & Klanderman (2013)* چارچوب نظری را مطرح می‌سازند که بر اساس آن معتقدند فعالیت‌های دانشجویی می‌تواند به اعتراضات دانشجویی بدل شود. این مدل، هویت مشترک، مطالبه مورد درخواست و حس خشم و اعتراض را لازمه پدید آمدن اعتراضات می‌دانند. *Rodriguez & Linder (2013)* ویژگی‌های محیطی فعالیت دانشجویی پرداختند و عنوان کردند محیط دانشگاه به‌عنوان فضای امن برای کنشگری است، فضایی که در آن به حاشیه راندن، نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها اندک است.

توسعه

توسعه از ایده‌های اصلی دنیای مدرن است. هرچند این مفهوم با توجه به خاستگاه نظری و موقعیت زمانی و مکانی تنظیم نظریه، جهت‌گیری‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متفاوتی را دنبال می‌کند. نظریه نوسازی[1] که ریشه فلسفی آن در کارکردگرایی ساختاری

[1] modernization theory

است، توسعه را فراتر از رشد می بینند. هدف غایی توسعه را کپی‌برداری از پیشرفت‌های غرب معرفی می‌کنند. پارسونز (۱۹۷۳)، گسترش دامنه تفکیک را شاخص نوسازی می‌دانست. و معتقد بود هر چقدر ویژگی‌های تخصصی شدن ساختاری در یک جامعه بیشتر باشد، آن جامعه پیشرفته‌تر است. هر چه تجزیه عناصر سنتی دقیق‌تر باشد، جامعه بهتر می‌تواند ویژگی‌های جوامع مدرن که شامل عقلانیت، کارایی و تمایل به آزادی است؛ را گسترش دهد. *Hozelitz (1960)* اقتصاددان، نظریه نوسازی اقتصادی را مطرح می‌سازد و بر تغییرات فرهنگی به‌عنوان پیش‌شرط توسعه اقتصادی تأکید دارد. در جوامع توسعه‌نیافته از دیدگاه او توزیع نقش‌های اقتصادی بر مبنای خاص‌گرایی انجام می‌شود. نخبگان آن خودمحور هستند بجای آنکه جمع محور باشند. تفکیک نقش در این جوامع اتفاق نیفتاده است. انتساب بر انتخاب ترجیح دارد؛ و استفاده از تغییر قدرت سیاسی را برای رسیدن به جامعه توسعه‌یافته را مهم می‌دانست. دیوید مک کله‌لند (۱۹۶۱)، از دیدگاهی روانی و فرهنگی به توسعه پرداخته است. او محرک اصلی توسعه اقتصادی را ویژگی روانی «میل به پیشرفت» می‌دانست. ویژگی در میان مردمان جوامع توسعه‌یافته وجود داشت و در مقابل آن در جوامع غیر توسعه‌یافته بیشتر ترس از جهان وجود دارد. دیوید اسمیت (۱۹۷۴)، انسان جامعه مدرن را دارای ویژگی‌هایی مانند عقلانیت، دانش انتزاعی، تفکر علمی پذیرای تجربه جدید و علاقه‌مند به برنامه‌ریزی می‌دانست و در مقابل آن انسان جوامع توسعه‌نیافته هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها را ندارد. روستو (۱۹۶۰)، از منظر تاریخی به توسعه می‌نگرد. او این سیر تاریخی را از جوامع سنتی تا توسعه‌یافته را در پنج گونه، مطرح می‌سازد و برای هرکدام ویژگی‌هایی برمی‌شمارد. سیری که از جوامع مبتنی بر کشاورزی و ساخت اجتماعی سلسله مراتبی آغاز می‌شود و با دخالت خارجی و حضور فنّاوری به رشد سرمایه‌گذاری و تغییر نهادهای سیاسی و افزایش نیروی تخصصی می‌انجامد (*Peet & Hartwick, 2012: 54-72*). در مقابل نظریه نوسازی، نظریه وابستگی توسعه اروپا را منجر به توسعه‌نیافتگی دنیای غیر اروپایی می‌دانند. آندره گوندر فرانک (۱۹۶۹)، نسبت دادن توسعه‌نیافتگی را به سنت‌گرایی را یک خطای تاریخی می‌خواند؛ و حضور و نفوذ کشورهای اروپایی را سبب توسعه‌نیافتگی معرفی می‌کرد. *Arghiri Emmanuel (1972)* نیز عامل اصلی رکود اقتصادی را تبادل نابرابر در تجارت می‌دانست و این موضوع را مکانیسم پنهان استخراج مازاد کشورهای فقیرتر می‌دانست. سمیر امین (۱۹۷۶)، مقدار مازاد منتقل‌شده از کشورهای فقیر را سبب متوقف شدن رشد این کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌داند (*Simon, 2010: 126–164*). جریان پساساختارگرا با بسط دامنه مفهوم توسعه به حوزه گفتمان، حقیقت و مجاز نگاه تازه‌ای به توسعه را مطرح ساخت.

Arturo Escobar (1995) توسعه را زبان قدرت نامید. او عنوان می‌کند روابط قدرت سبب می‌شود گفتمان توسعه به شکلی خاص معرفی شود و این گفتمان باعث چارچوب‌بندی هویت‌ها و تصورات در خصوص توسعه با در نظر گرفتن سه مؤلفه اصلی صنعتی‌شدن، حرفه‌ای شدن و ادغام در غرب می‌شود. اسکوبار بر اهمیت دانش محلی در ساختن بدیل‌هایی برای توسعه تأکید می‌نمود (*Peet & Hartwick, 2022: 78–82*). مفهومی از توسعه که در این پژوهش موردنظر است، توسعه را در وجوه مختلف می‌بیند. همان‌گونه که تودارو مطرح می‌سازد که توسعه جریانی چندبعدی است که مستلزم تغییرات اساسی و تجدید سازمان و جهت‌گیری در مجموعه نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در سطوح ملی و بین‌المللی و در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و سیاسی و در طرز تلقی و حتی آداب و رسوم، و باورهای مردم است، به‌نحوی که هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی و ملت‌ها، جامعه و جهان را از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج نموده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق دهد (*Todaro, 1987: 135*). همچنین تعریف مک مایکل (۲۰۰۴)، که توسعه را با مفهوم تغییر اجتماعی مرتبط می‌داند و تعریف تلقی توسعه به «تغییر اجتماعی سازمان‌یافته» که توسعه را برهم تافته‌ای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌داند (*Flora & Flora, 2005: 496*). مفهومی از توسعه است که در این پژوهش موردنظر بوده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به دنبال آن است تا نسبت گفتمان جنبش دانشجویی با مفهوم توسعه به‌عنوان یک کل منسجم را به دست آورد. تحلیل گفتمان انتقادی با توجه به تمرکزش بر گفتمان از منظر نشانه شناختی قدرت و تغییرات سیاسی و اجتماعی سطح جامعه، در این تحقیق قابلیت استفاده دارد. در میان این رویکردها، رویکرد فرکلاف نگاه انتقادی جامع‌تری به تحلیل گفتمان دارد. او با ترکیب سه سنت تحلیل متن در حوزه زبان‌شناسی، تحلیل جامعه‌شناختی کلان پرکتیس اجتماعی و همچنین سنت تفسیری سعی می‌کند به‌گونه‌ای جامع‌تر به تحلیل گفتمان‌ها بپردازد. فرکلاف (۲۰۱۳)، هر کاربرد زبانی‌ای را رخداد ارتباطی می‌داند و آن را شامل سه بعد متن (گفتار، نوشتار، تصویر بصری و ...)؛ پرکتیس گفتمانی که تولید و مصرف متن را شامل می‌شود و پرکتیس اجتماعی می‌داند. یورگنسن و فیلیپس در کتابشان «نظریه و روش در تحلیل گفتمان» ادعا می‌کنند می‌توان رویکردهای مختلف در حوزه تحلیل گفتمان را به هم ارتباط داد. دلیل شایستگی استفاده از تحقیق‌های چند

دیدگاهی سازگاری آن با تحقیق انتقادی است (*Jorgensen, 2010: 253*). فرکلاف نیز پیشنهاد استفاده از عناصری از نظریه لاکلا و موف را برای تحلیل متنی داده است (*Fairclough, 2008: 228*). ایشان مطرح می سازند که ترکیب این دو نظریه می‌تواند چارچوب مناسبی برای استفاده از ابزارهای خرد زبان شناختی برای تحلیل نشانه شناختی پدیده‌های اجتماعی در سطح کلان را فراهم می‌کند؛ بنابراین در این پژوهش از تلفیق روش فرکلاف و لاکلا و موفه استفاده شده است.

جامعه مورد بررسی و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش، ترکیبی از نمونه‌گیری شدت، مورد سیاسی و نظری مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمونه‌گیری شدت به معنای نمونه‌ای است که شامل موارد سرشار از اطلاعاتی است که پدیده موردنظر را به‌طور حاد اما نه افراطی نشان می‌دهد. نمونه‌گیری مورد سیاسی، به انتخاب مواردی می‌پردازد که ازنظر سیاسی مهم و حساس هستند. بدین منظور بیانیه‌ها و نشریات و مصاحبه‌هایی که توانسته‌اند جریان‌سازی انجام دهند، مورد تحلیل قرارگرفته‌اند. اساس نامه و آیین‌نامه دفتر تحکیم وحدت و همچنین بیانیه‌های حائز اهمیت این تشکل بر مبنای نمونه‌گیری شدت و مورد سیاسی که در بالا توضیح داده شد، نمونه‌های اصلی برای تحلیل بوده‌اند. این بیانیه‌ها از آغاز شکل‌گیری دفتر تحکیم در سال ۱۳۵۹ تا سال های آخر دهه ۸۰، که دفتر تحکیم وحدت منع فعالیت شده است، مورد بررسی قرار گرفته است. بر مبنای نمونه‌گیری نظری، زمانی که به اشباع نظری رسیدیم، نمونه‌گیری متوقف شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که در قسمت روش پژوهش مطرح شد، تلفیق رویکرد فرکلاف با لاکلا و موف در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین منظور در بعد تفسیر یا پرکتیس گفتمانی از رویکرد لاکلا و موف به گفتمان استفاده می‌شود.

۱- توصیف: تحلیل متن درواقع تحلیل ساخت‌های زبانی و ویژگی‌های صوری متن است. این تحلیل در سه سطح بررسی فرا نقش تجربی، فرا نقش رابطه‌ای و فرا نقش بیانی انجام می‌گیرد. در فرا نقش تجربی، محتوا، دانش و اعتقادات در سطح متن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فرا نقش رابطه‌ای، روابط اجتماعی موجود در متن تحلیل می‌شود. در فرانقش بیانی، هویت‌های اجتماعی موجود در سطح متن بررسی می‌شود. پژوهشگر در این تحقیق متن بیانیه‌هایی که بیشترین تأثیرگذاری را داشته است و ازنظر سیاسی مهم و حساس بوده‌اند

و همچنین متن پیاده شده مصاحبه‌هایی با افراد شاخص و مؤثر جریان دانشجویی، از منظر واژگان، نظام آوایی و دستور زبان در سه سطح محتوا و روابط موجود در متن و همچنین هویت‌هایی که در سطح متن تصویر می‌شوند؛ موردبررسی قرار داده است. استعاره‌های موجود در متن، اسم‌سازی‌ها، جملات مثبت و منفی و همچنین معلوم و مجهول، عبارت بندی‌های افراطی و ... همگی در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- *تفسیر:* در این مرحله به نحوه تولید و مصرف متن توجه می‌شود. نفوذ تاریخ بر متن را با مفهوم بینامتنیت، و نفوذ گفتمان‌ها و ژانرهای مختلف را بر متن با مفهوم میان گفتمانیت، مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این بعد از روش لاکلا و موفه و مفاهیم مرتبط با آن شامل مفصل‌بندی، شناسایی دال‌های مرکزی و شناور، غیریت‌سازی، برجسته‌سازی و قابلیت دسترسی استفاده می‌شود. همچنین در این قسمت تلاش می‌شود گفتمان‌های موجود در متون بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها شناسایی شود. شناسایی این گفتمان‌ها و غیرسازی‌هایی موجود در این گفتمان‌ها به تشخیص سیر تغییر در این گفتمان کمک می‌کند.

۳- *تبیین:* تبیین را می‌توان دیدن گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت معرفی نمود. تبیین روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی که در شکل دادن این گفتمان مؤثر است، را نشان می‌دهد (*Jorgensen, 2010: 118*). در این مرحله مشخص می‌سازیم چه عناصری از دانش زمینه‌ای که در متون موردنظر ما مورد استفاده واقع شده‌اند، دارای خصوصیات ایدئولوژیک هستند و آشکار می‌سازیم جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی چه است. در این قسمت می‌توانیم از سایر نظریه‌ها برای تبیین جایگاه مفهوم توسعه در گفتمان کنشگری دانشجویی استفاده نماییم.

تاریخچه مختصر دفتر تحکیم وحدت

دفتر تحکیم وحدت با گرد هم آمدن «انجمن‌های اسلامی» دانشکده‌های گوناگون در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان «مرکز انجمن‌های اسلامی دانشجویان» پا گرفت و در سال ۱۳۶۱ به‌طور رسمی تشکیل شد. نام این دفتر در سال ۱۳۵۸ در دیدار نمایندگان انجمن‌های اسلامی با آیت‌اله خمینی و در پی گفته ایشان که توصیه کرده بود «بروید، تحکیم وحدت بکنید»، برگزیده شده بود. پس از حاشیه‌رانی اغیار، تثبیت حاکمیت گفتمان انقلاب اسلامی و یکدستی دانشگاه‌ها در نتیجه انقلاب فرهنگی، دفتر تحکیم وحدت موقعیت خود را به‌عنوان یگانه تشکل هژمونیک در عرصه دانشگاهی تحکیم نمود. از جمله اقدامات مهم در این دوره به

تسخیر سفارت آمریکا، نقش داشتن در انقلاب فرهنگی دانشگاه و برگزاری دو دوره گردهمایی جنبش‌های آزادی‌بخش کشورهای مختلف جهان در تهران (۶۲-۱۳۶۰) می‌توان اشاره کرد. اما در دهه ۷۰ در پی درگذشت بنیان‌گذار انقلاب و تحول در گفتمان دولت جمهوری اسلامی، دفتر تحکیم وحدت نیز دچار تحول گفتمانی شد. در دوران دولت سازندگی دفتر تحکیم بیشتر در قامت منتقد سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی ظاهر می‌شود. دفتر تحکیم وحدت به‌عنوان نماینده جنبش دانشجویی در انتخابات سال ۱۳۷۶ طرفدار محمد خاتمی بود و نقش مهمی در پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات داشت. در سال‌های ۷۶ تا ۷۸ تحکیم وحدت جایگاه محکم و تأثیرگذاری در عرصه سیاسی ایران پیدا کرد. حادثه مهم دیگر در تاریخچه دفتر تحکیم وحدت، واقعه کوی دانشگاه یا ۱۸ تیر بود که در پی حمله لباس شخصی‌ها به تجمع اعتراضی دانشجویان و خوابگاه ایشان شکل گرفت و در پی آن چندین دانشجو کشته شدند. از این حادثه به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش جنبش دانشجویی در ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ نیز یاد می‌شود. پس از این حادثه مواضع دفتر تحکیم وحدت که اکنون به یکی از منتقدین حکومت تبدیل شده بود، تندتر شد تا جایی که بحث عبور از خاتمی را مطرح ساختند. پس از این اتفاق بحث انشعاب علامه و شیراز پیش آمد. در سال ۱۳۸۷ حکایت دفتر تحکیم وحدت به پایان رسید.

یافته‌های پژوهش

دوره اول: دهه ۶۰ تا اوایل ۷۰

توصیف: متن مورد تأکید تحلیل شده برای یافتن ارزش‌های تجربی، بیانی و رابطه‌ای در این دوره، اساس نامه دفتر تحکیم وحدت است. پس از مشخص شدن گفتمان‌ها و حاشیه‌رانی‌ها و برجسته‌سازی در قسمت تفسیر، در بخش تبیین با استفاده از متون سایر بیانیه‌ها در این دوره زمانی، جایگاه مناسبات قدرت را در شکل‌دهی گفتمان جنبش و رویکرد این جنبش به توسعه را مشخص نموده‌ایم.

ارزش تجربی: واژگان ایدئولوژیک متن حول محور اسلام فقاهتی و مکتبی جای می‌گیرد، به‌گونه‌ای که مکتب اسلام به‌عنوان تنها عامل تعالی‌بخش مطرح می‌شود. دال‌های توسعه، جمهوریت، آزادی، قانون، کارایی، عقلانیت در متن دیده نمی‌شود. دنیای غرب با عناوین «مستکبران غارتگر» و «شیطان و جنایتکار» نام‌برده می‌شود. از اهداف تشکل برآوردن نیازهای علمی جمهوری اسلامی و به خودکفایی رساندن در بخش متخصصین و رهایی از هرگونه وابستگی مطرح می‌شود. به‌کرات به‌ضرورت صدور انقلاب تأکید می‌شود. صحبت از

مردم در غالب «تشکیل امت اسلامی» و «توده‌های ایثارگر مسلمان» است. مردم به‌عنوان انسان‌هایی دارای حق نقشی ندارند. به صراحت عنوان می‌کند محتوای علوم غیر تجربی باید از مکتب برگرفته شود و جهت و کاربرد علوم و تخصص‌های تجربی بر مبنای ارزش‌های مکتب و فرهنگ باید باشد. حتی مطرح می‌سازد «تفکر انحرافی اصالت علم» به نفی وحی و فعال مایشایی انسان بدون نیاز به قوانین الهی انجامیده است و شیوه نوین استعمار است. و با شیوه‌های حساب شده قشر غرب‌گرا و غرب‌زده‌ای را به‌عنوان ایادی خود در درون ملت پرورانده است. تشکیلات را وسیله‌ای در طول ولایت‌فقیه می‌داند و عنوان می‌کند باید از هر گونه اصل شدن آن جلوگیری شود. دال‌هایی از جنس عقلانیت، کارایی، آزادی فردی و انتخاب ... در متن دیده نمی‌شود. به‌طور مشخص دال «تخصص» را غیر می‌سازد. عبارت‌بندی افراطی در حوزه طرد فرهنگ استعماری و حاکمیت اسلام فقاهتی و انقلاب فرهنگی در متن آشکار است. از طرفی روندها در متن همانی است که دیده می‌شود. جملات مثبت است و جمله مجهول در متن دیده نمی‌شود.

ارزش‌های رابطه‌ای: متن با توجه به اینکه مرامنامه و اساسنامه است، متنی با ادبیات رسمی است. اما تعابیر غیرت ساز در متن به‌وفور دیده می‌شود. غرب استعمارگر، آمریکای جنایتکار. ما و شمای مانع در متن مشهود است. برای «ما» ی اعضای دفتر تحکیم جایگاه ویژه‌ای در نظر دارد که باید به صدور انقلاب و فراهم‌سازی زمینه استقلال کشور و حمایت از مستضعفین جهان بپردازد. با توجه به مشخصه خاص متن با وجهیت رابطه‌ای سر و کار داریم. بدین معنا که مسأله اقتدار گوینده در صدق و بازنمایی واقعیت در آن مشهود است. جملات بیشتر خبری و امری است که از جایگاهی که دفتر برای خود قائل است، ناشی می‌شود.

ارزش‌های بیانی: ارزش‌های بیانی با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سر و کار دارد. فعل‌ها دارای عمومیت صورت‌های وجهی مطلق است که نشان از دیدگاهی شفاف نسبت به جهان حکایت دارد. با توجه به خصوصیات متن استعاره در آن به چشم نمی‌خورد.

تفسیر: متن برای رسیدن به هدف گفتمانی خود از تلفیق گفتمان اسلام فقاهتی با گفتمان چپ استفاده می‌کند. اسلام فقاهتی با دال‌های اصل ولایت فقیه، وحدت حوزه و دانشگاه ... بازنمایی می‌شود. گفتمان چپ با دال‌های استعمار غربی، امپریالیسم، مستکبران غارتگر، حمایت از مستضعفین جهان، رهایی از وابستگی ... بازنمایی می‌شود. برجسته‌سازی در این متن با مؤلفه‌های اسلام فقاهتی و انقلاب فرهنگی، صدور انقلاب و ... است. غیریت‌سازی با هویت‌های غربی در متن بسیار به چشم می‌خورد. حاشیه‌رانی گفتمان تخصص‌گرایی و علمی، فردگرایی، سرمایه‌گذاری، الگوبرداری از الگوهای پیشرفت غربی در متن مشهود است.

تخاصم هویتی نیز در متن به آشکار دیده می‌شود. بطوریکه تأکید می‌شود «در برابر سایر گروه‌ها که در موضع خصومت و رویارویی با اسلام و انقلاب اسلامی نیستند موضع عدم همکاری و نقد نظریات و افشای ماهیت اصلی‌شان را داریم و با گروه‌هایی که در موضع تخریب و براندازی نظام جمهوری اسلامی باشند با توجه به رهنمودهای ولی‌فقیه با آن‌ها برخورد می‌کنیم و در نهایت سعی در ارشاد نیروهای صادق و ناآگاه گروه‌های فوق‌الذکر از طریق ارائه اسلام راستین به آن‌ها خواهیم داشت». قابلیت دسترسی گفتمان بدین معناست که در زمینه و موقعیتی در دسترس افکار عمومی قرار گیرد که هیچ گفتمان دیگری به‌عنوان رقیب و جایگزین به شکلی هژمونیک در عرصه رقابت حضور نداشته باشد. قابلیت دسترسی گفتمان از حیث عدم حضور گفتمان رقیب و جایگزین، بسیار بالاست.

جدول ۱: دال‌های مرکزی گفتمان دفتر تحکیم وحدت در خصوص توسعه در دوره زمانی ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۳

Table 1: *Central Signifiers of the Discourse of Tahkeem Vahdat Office Regarding Development in the Period of 1980 To 1994*

۱	طرد مبانی تجددی اقتصاد لیبرال	۱۴	حاشیه‌رانی خردگرایی و واقع‌گرایی
۲	مستکبران غارتگر و شیطان‌صفت	۱۵	طرد فردگرایی
۳	خودکفایی متخصصان	۱۶	هم‌ارز دانستن سرمایه‌داران با فرعون
۴	جهت‌گیری علوم تجربی در راستای ارزش‌های مکتبی	۱۷	عدم حضور عقلانیت، کارایی، آزادی فردی
۵	منحرف دانستن تفکر اصالت علم	۱۸	طرد تکنوکراسی و کار کارشناسی
۶	رهایی از وابستگی	۱۹	طرد آزادی تجارت و استقراض خارجی
۷	طرد غرب‌گرایی و غرب‌زدگی	۲۰	اسلام فقاهتی و مکتبی
۸	حاشیه‌رانی تخصص گرایی	۲۱	صدور انقلاب
۹	طرد مبنائیت بازار	۲۲	انقلاب فرهنگی
۱۰	اهمیت تعهد بجای تخصص	۲۳	طرد فرهنگ استعماری
۱۱	حمایت از مستضعفین	۲۴	تقبیح پیدایش سرمایه‌داری و رشد سرمایه‌داران
۱۲	مردم در قامت امت اسلامی و توده ایثارگرا	۲۵	گفتمان هژمونیک و طرد کامل گفتمان‌های رقیب
۱۳	همراهی با دولت مستقر در جهت افزایش نقش دولت	۲۶	طرد امپریالیسم و آمریکای جهان‌خوار

تبیین: سابقه تأسیس اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌ها به دهه ۱۳۲۰ برمی‌گردد. اما پس از انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان انجمن‌های اسلامی با آیت‌الله خمینی، نام آن به دفتر تحکیم وحدت تغییر یافت. مرام‌نامه آن آن‌گونه که در مقدمه‌اش آورده شده با نظر آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله صانعی و حجت‌الاسلام خامنه‌ای نوشته شد. از اتفاق‌های مهمی که تحکیم وحدت در آن نقش داشت تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و انقلاب فرهنگی با شعار اسلامی کردن دانشگاه‌ها و همگام کردن دانشگاه با انقلاب در فروردین ۱۳۵۹ تا آذر ۱۳۶۱ بود. در پی انقلاب فرهنگی شماری از اساتید و دانشجویان از دانشگاه اخراج شدند. همچنین دفتر تحکیم در سال ۶۱ مجمع جهانی حرکت اسلامی دانشجویی را با حضور دانشجویان مسلمان کشورهای لبنان، آفریقای جنوبی، مصر، ایتالیا نیجریه با هدف صدور انقلاب و برقراری ارتباط میان دانشجویان مسلمان برای مقابله با ابرقدرت‌ها برگزار می‌کند. از سوی دیگر اتفاق مهم این دوره، جنگ میان ایران و عراق بود که ۸ سال به طول انجامید و عامل به وجود آورنده گفتمانی خاص در کشور و دانشگاه‌ها بود. در بخش عمده این دوره که دولت موسوی بر مسند قدرت بود، با توجه به وضعیت خاص جنگ، شرایط ویژه جامعه پس از انقلاب، تعطیلی بسیاری از بنگاه‌های تولیدی داخلی و کدورت روابط اقتصادی خارجی و ... دخالت و نقش دولت در اقتصاد افزایش چشمگیری یافت (*Bashiriyeh, 2002: 86*). دال‌های اصلی گفتمان دولت موسوی مستضعفان، اقتصاد تعاونی، افزایش نقش دولت و استقلال نظام ... بود. تحلیل متون دفتر تحکیم وحدت در این دوره نشان می‌دهد گفتمان این دوره با نظریه نوسازی یا مدرنیزاسیون نسبتی ندارد و حتی کاملاً در تضاد با آن قرار دارد. از دال‌های مرکزی نظریه نوسازی تخصص گرایی، کارایی، تفکیک نقش، میل به پیشرفت، فردگرایی، عدم دخالت دولت، مبنابیت بازار و ... می‌توان اشاره کرد. دفتر تحکیم در بیانیه‌ای در سال ۶۵ در موضوع برخورد با خوانین و سرمایه‌دارها می‌دهد. صاحبان انقلاب را «توده‌های مردم» معرفی می‌کند؛ و در متنی که گفتمان چپ بسیار در آن پررنگ است عنوان می‌دارد: «این غارتگران را باید افشا کرد! باید زندان کرد و باید در میدان‌های بزرگ بدار آویخت تا این‌چنین حیات یک انقلاب الهی را طعمه هوس‌های سیری‌ناپذیر خویش نکنند یا آنکه به مردم اجازه دهید و فرصت دهید تا علیه این فاسدان شمشیر بکشند» (*Keyhan, 1986/4/5:19*)؛ همچنین در بیانیه‌ای از مسئولان می‌خواهند تا مرعوب تخصص نشوند و مطرح می‌سازند که «جو رعب از تخصص به آنجا می‌انجامد که سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی کم‌کم به یک قدرت سیاسی بدل شوند و در مقابل انقلاب بایستند» (*Keyhan, 1986/7/15:6*). دفتر تحکیم در سال ۶۷ در بیانیه‌ای در خصوص مجلس سوم

صادر کرد نگرش «فردگرایانه» را عامل «ظلم اجتماعی» معرفی می‌کند. «نتیجه نگرش فردگرایانه در احکام اجتماعی اسلام و مبتنی بودن بعضی اجتهادها بر نگرش مبتنی بر نادیده انگاشتن حقوق اجتماعی، به ناگزیر عدالت اجتماعی را به ظلم اجتماعی بدل خواهد شد؛ و اصول مبنای نگرش لیبرالیسم و سرمایه‌داری نیز همین فردیت است که در این نگرش سرمایه‌داری به‌عنوان حق فرد امری مشروع و غیرقابل تحدید است که نتیجه آن‌هم معلوم است که به کجا می‌انجامد» (*Etelaat, 1988/4/4:3*). همچنین در بیانیه روز جهانی کارگر، سرمایه‌دارها را در ردیف فرعون‌ها، کسری‌ها می‌نشاند. در زمان مطرح‌شدن بحث قطعنامه ۵۹۸، دفتر تحکیم با مطرح کردن شعارهای «خردگرایی» و «واقع‌گرایی» مخالفت می‌کند و دل‌خوش کردن به دیپلماسی حاکم برجهان را سبب غفلت و کاهش توان انقلابی در برخورد با دشمنان را فراهم می‌آورد (*Keyhan, 1988/4/7:9*). در زمان تشکیل دولت دوم میرحسین موسوی، دفتر تحکیم در بیانیه‌ای «آزادی تجاری» و «استقراض خارجی» که در آن زمان جناح راست مطرح می‌کند را رد می‌کند و به نقد مبانی تجددی اقتصاد لیبرال می‌پردازد. در بیانیه‌ای در سال ۶۸ با موضوع ارائه درآمدی بر علل و عوامل شرایط اخیر مطرح می‌سازد که «در زمینه اقتصادی شعارهای انقلابی اولیه حمایت از مستضعفین و محرومین رنگ می‌باخت و جای خود را به میدان دادن و بالا بردن اعتماد سرمایه‌داران و متکاثرین برای چپاول اموال می‌داد»؛ همچنین «پیدایش سرمایه‌داران و رشد سیستم سرمایه‌داری وابسته به غرب و حاکمیت تفکر رفاه‌طلبی» را عامل انفعال مسئولان می‌داند (*Keyhan, 1988/5/16:16*).

در سال ۶۸ بعد از فوت امام در بیانیه‌ای ۱۶ بندی مبانی تشکیلاتی خود را دوباره تبیین کردند «ما متأسفیم، برخی اندیشه‌های ناتوان که ضعف فکری خود را در تحلیل حوادث جهان و مبارزات توده‌های مستضعف با مظاهر استکبار را بجای تقویت باقدرت ایمان و اتکا به بسیجی‌های جهان اسلام، با تشبه به نظریه‌های کهنه و زائیده تفکر سرمایه‌داری پنهان می‌سازند، راه شکست‌خورده تبعیت از این نظریه‌ها را تجویز می‌نمایند» (*Keyhan, 1989/10/24:18*)؛ و یا در قطعنامه دیگری به خطر تجلیات نسبی لیبرالیسم تحت پوشش «تکنوکراسی»، «کارشناسی» و ضروریات دوران بازسازی و سازندگی هشدار می‌دهد و از دولت آقای هاشمی می‌خواهد که «در تدوین برنامه‌های اقتصادی بایستی فقط به منابع درونی کشور و ایمان ملت تکیه کرد» (*Keyhan, 1989/11/5:18*). هر چند مفهوم توسعه و به‌ویژه توسعه اقتصادی در گفتمان این دوره غایب است، اما می‌توان ادعا کرد گفتمان این دوره با رویکرد وابستگی در حوزه نظریات توسعه نزدیکی دارد. نظریه وابستگی ریشه در نظریات چپ و مارکسیستی دارد و حضور گفتمان چپ در گفتمان دفتر تحکیم سبب می‌شود گفتمان این

دفتر با نظریه وابستگی همخوانی داشته باشد. از دال‌های مرکزی نظریه وابستگی می‌توان به بدبینی به کشورهای غربی، استعمار کشورهای غربی، الگوی سیستم اقتصادی مرکز و پیرامون، طرد نظام سرمایه‌داری ... اشاره کرد که در گفتمان دفتر تحکیم در دوره اول به وفور به چشم می‌خورد.

دوره دوم: دهه ۷۰

از سال‌های اوایل دهه ۷۰ و پس از فوت آیت‌الله خمینی و در دولت هاشمی رفسنجانی جناح چپ سیاسی کشور به حاشیه رانده شد. بر همین مبنا فعالیت‌های دفتر تحکیم وحدت نیز تحت کنترل قرار گرفت. بعضی از اعضای آن از جمله عباس عبدی بازداشت شدند. به‌گونه‌ای که در سال ۷۲ مجوز راهپیمایی ۱۳ آبان در جلوی سفارت سابق آمریکا برای این دفتر صادر نشد و مراسم در دانشگاه تهران برگزار شد. در انتخابات مجلس چهارم در سال ۱۳۷۱، دفتر لیست انتخاباتی نداد و فقط به دعوتی کمرنگ برای شرکت بسنده کرد. در دانشگاه نیز تشکل‌های موازی بسیج دانشجویی و جامعه اسلامی شکل گرفت که سبب کم‌رنگ شدن دفتر تحکیم شد. این به حاشیه سیاسی رفتن و از سویی حوزه‌های نظری که خیلی از اعضای قدیمی دفتر تحکیم به آن وارد شده بودند، سبب شد این دفتر با گفتمان روشنفکری دینی و نظریات غربی قرابت بیشتری پیدا کند. مجموعه این اتفاقات سبب گشوده شدن افق گفتمانی جدیدی برای دفتر تحکیم گشود. در این قسمت به تحلیل بیانیه‌ها و متون این دوره می‌پردازیم.

ارزش تجربی: واژگان ایدئولوژیک متون نسبت به دوره پیش دچار تغییر می‌شود، دال‌هایی چون «مردم»، «قانون‌گرایی»، «توسعه پایدار»، «مشارکت»، «شفافیت سیاسی»، «جامعه مدنی»، «نفی خشونت» در مرکز گفتمان این دفتر جای می‌گیرد. دیگر مردم در قالب «امت» کمتر دیده می‌شود، مردم به‌عنوان شهروندانی دارای حق تصویر می‌شود. به‌طور مثال در بیانیه‌ای که به مناسبت سالگرد تصویب قانون اساسی در تاریخ ۷۵/۹/۸ صادر می‌کند، مطرح می‌سازد در قانون دخالت نیروی دولتی و نظامی در انتخابات مجلس و مسائل سیاسی مطرح شده است و همچنین قانون اساسی تحدید آزادی‌های مصرح و تعطیلی جراید و نشریات بدون مستند تخلف را منع می‌کند و همچنین از عدم اجرای قانون احزاب و شوراها انتقاد می‌کند. تأکیداتی که دارای ارزش‌های تجربی متفاوت با دوره پیشین است. کم‌کم واژگان با مفهوم توسعه و طبقات متوسط در گفتمان این دوره پیدا می‌شود. در قطعنامه پایانی نشست اتحادیه انجمن اسلامی در ۷۶/۷/۲۷ از رئیس‌جمهور می‌خواهد تا کابینه خود را «در راستای کاهش فاصله طبقاتی، توزیع عادلانه ثروت و مبارزه ریشه‌ای با گرانی وفقروشکل دهی برنامه‌های اقتصادی به نفع محرومین و

طبقات متوسط باشد و شاهد توسعه‌ای فراگیر و پایدار باشیم». تأکید بر توسعه سیاسی بیشتر در گفتمان این دفتر به چشم می‌خورد، به‌گونه‌ای که در بیانیه‌ای با تأکید بر «توسعه سیاسی» و «توسعه فرهنگی» از روشنفکران، نویسندگان، متفکران و آزاد اندیشان می‌خواهد در جهت بارور ساختن و غنای فرهنگ دینی و ملی تلاش کنند و از وزیر کشور نیز می‌خواهد تا مقدمات توسعه سیاسی را فراهم نماید (*Salam, 1997/11/17:3*). در خصوص غرب، نگاه تنش‌زدایی را دنبال می‌کند، به‌گونه‌ای که در بیانیه‌ای به «حمایت از سیاست تنش‌زدایی در عرصه سیاست خارجی می‌پردازد و آن را موجب ارائه چهره مثبت از جمهوری اسلامی می‌داند» (*Salam, 1997/12/28: 2*). همچنین برای اولین بار در مراسم ۱۳ آبان سال ۷۷ پرچم آمریکا آتش کشیده نمی‌شود. رابطه با کشورهای غربی از نبرد میان حق و باطل به ارجحیت خواست مردم تغییر پیدا می‌کند. در سال ۷۸ و در زمان برگزاری انتخابات مجلس ششم در منشور انتخاباتی شعارها و اهداف خود را بدین قرار اعلام می‌کند: «آزادی بیان، عدم مداخله حاکمیت در حوزه خصوصی مردم، برابری فرصت‌ها و عدالت اجتماعی، نفی اقتصاد رانتی، رفع موانع توسعه صنعت گردشگری، توسعه روابط با تمام ملل جهان، سلب امتیاز قانون‌گذاری از مجمع تشخیص مصلحت نظام، لغو نظام گزینشی، حذف چارچوب‌های تنگ‌نظرانه در روابط اجتماعی جوانان، لغو نظارت استصوابی، انحلال دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت، اصلاح قانون مطبوعات باهدف گسترش آزادی بیان بررسی کارشناسانه تنش‌زدایی با آمریکا (*Sobh – Emrouz, 2000/2/12*)». عبارت‌بندی افراطی در دایره دال‌های مرتبط با توسعه سیاسی مانند شفافیت سیاسی، حق شهروندی، جامعه مدنی، توسعه پایدار ... مشخص است. جملات مجهول در متون دیده می‌شود.

ارزش رابطه‌ای: متون مورد تحلیل از ادبیات رسمی و بسیار انتقادی برخوردار است. تعابیر غیریت‌ساز نیز در متن بسیار دیده می‌شود. تعابیری چون گروه‌های فشار، قانون‌گریزان. ما و شمای مانع در متن مشهود است. «ما» در اینجا نماینده جنبش دانشجویی است که دانشجویان و مردم را نمایندگی می‌کند و خود را در جایگاه اکثریت می‌گذارد و «شما» ی مقابل آن را اقلیتی می‌پندارد که مانع تحقق خواست اکثریت از طریق زور و ارعاب است. وجهیت رابطه‌ای نیز در متن حضور دارد. با توجه به مشخصه خاص متن با وجهیت رابطه‌ای سروکار داریم. بدین معنا که مسئله اقتدار گوینده در صدق و بازنمایی واقعیت در آن مشهود است.

ارزش‌های بیانی: ارزش‌های بیانی با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سر و کار دارد. افعال دارای صورت زمان حال غیر وجهی یا زمان حال کامل است. این‌گونه افعال از دیدگاهی شفاف و بدون اینکه جای سوال وجود داشته باشد، نسبت به جهان حکایت دارد. با توجه به

خصوصیات متن استعاره در آن به چشم می‌خورد. استعاره‌ها در جایگاه انتقاد به نهادهای حکومتی انتصابی و همچنین در جایگاه مظلوم‌نمایی جایگاه دانشجو بیشتر قرار دارد.

تفسیر: از گفتمان‌های حاضر در متن می‌توان به گفتمان اعتراضی و گفتمان آرمان‌خواهی اشاره نمود. این آرمان‌خواهی بیشتر در حوزه توسعه سیاسی با دال‌های «قانون»، «مردم»، «دموکراسی»، «آزادی بیان»، «جامعه مدنی» به چشم می‌خورد. گفتمان اعتراضی با دال‌هایی نظیر اعتراض به شیوه حکومتی، قوه قضاییه، نبود آزادی بیان ... نمایان است. برجسته‌سازی بیشتر با مؤلفه‌های گفتمان «توسعه سیاسی»، «توسعه فرهنگی» است. تخاصم هویتی نیز در متن به آشکار تأکید می‌شود. هویت طردشده تنگ نظرانی هستند که مانع تحقق حق شهروندان می‌شوند و همچنین مانع توسعه سیاسی و توسعه پایدار می‌شوند. قابلیت دسترسی گفتمان از حیث حضور گفتمان دیگری به‌عنوان گفتمان رقیب و جایگزین، پایین است. از آنجا که گفتمان‌های دیگری در تریبون‌های رسمی وجود دارد که گاه توان بیشتری برای هژمونیک شدن دارد. همچنین قابلیت دسترسی این گفتمان ازنظر ادبیات قابل‌فهم نیز خیلی قرابتی با متن جامعه ندارد.

جدول ۲: دال‌های مرکزی گفتمان دفتر تحکیم وحدت در خصوص توسعه در دوره زمانی ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰

Table 2: *Core Tenets of the Office for Strengthening Unity's Discourse on Development (1994–2001)*

۱	لزوم توسعه پایدار	۱۳	قانون‌گرایی
۲	توسعه سیاسی	۱۴	حاشیه‌رانی استعمارستیزی
۳	جامعه مدنی	۱۵	نفی اقتصاد رانتی
۴	استبداد ستیزی	۱۶	مردم‌سالاری دینی
۵	حمایت از گفتمان توسعه‌ای دولت حاکم در راستای دولت رفاه	۱۷	حاشیه‌رانی گفتمان غرب غارتگر
۶	تنش‌زدایی از رابطه با غرب	۱۸	شفافیت سیاسی
۷	عدم‌مداخله حاکمیت در حوزه خصوصی	۱۹	نفی خشونت
۸	شکل‌دهی برنامه اقتصادی	۲۰	مبارزه ریشه‌ای با گرانی
۹	توزیع عادلانه ثروت	۲۱	حداقل زندگی شرافتمندانه
۱۰	کاهش فاصله طبقاتی	۲۲	ترجیح خواست مردم بر نبرد حق و باطل
۱۱	دموکراسی	۲۳	آزادی بیان
۱۲	حق شهروندی	۲۴	پیگیری مبانی توسعه و تطبیق تجارب دنیا با ایران

تبیین: زمینه تغییر گفتمان دفتر تحکیم از سال‌های اولیه دهه ۷۰ شروع می‌شود. اما با نزدیک شدن به فضای انتخابات مجلس پنجم در سال ۱۳۷۵ تغییر گفتمان جدی‌تر شد. مفاهیم «قانون»، «مشارکت»، «توسعه پایدار»،«حاشیه‌رانی استعمارستیزی»، «آزادی»، «توسعه سیاسی»، «نفی اقتصاد رانتی» در این گفتمان وارد شد. در قطعنامه ۱۳ آبان سال ۷۳ برخلاف سال‌های قبل مفهوم «مشارکت» شهروندان بجای توده‌ها نشست و مطرح می‌کند «یکی از معضلات کنونی جامعه ما فقدان ساز و کار سیاسی مناسب برای رشد آگاهی‌های سیاسی مردم و جلب توجه و مشارکت آنان در تعیین سرنوشت خویش است» (*Salam, 1994/10/3:9*). این تشکل در نامه دعوت به شرکت در انتخابات در فروردین سال ۷۶ از مردم می‌خواهد «برای حفظ آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی که در قانون اساسی متجلی است و نهادینه کردن ارزش‌ها در قالب ایجاد جامعه مدنی، حذف پدیده فقر و شکاف طبقاتی، برخورداری یکسان آحاد جامعه از امکانات و حداقل زندگی شرافتمندانه، تشکیل احزاب و اجرای لایحه شورای اسلامی در انتخابات شرکت کنند» (*Salam, 1997/3/31:2*). همان‌گونه که در متن پیداست دال‌های جدیدی در گفتمان تحکیم آشکار می‌شود، قانون اساسی، جامعه مدنی، حداقل زندگی شرافتمندانه و احزاب در گفتمان دهه ۶۰ نقشی ندارد. این دهه در حوزه سیاسی کشور نیز اتفاقات خاصی به وقوع می‌پیوندد که بر جنبش دانشجویی و تغییر گفتمان آن هم بسیار تأثیرگذار است. پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات خرداد ۷۶ با شعار توسعه سیاسی و جامعه مدنی ... با کسب ۷۰ درصد آرا به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران و به قدرت برگشتن جناح چپ از اتفاقات مؤثر در تغییر گفتمان دفتر تحکیم است. در سال ۷۷ شماری از منتقدان نظام توسط نیروهای خودسر از وزارت اطلاعات به قتل رسیدند. در سال ۷۸ در پی تجمعی که دانشجویان در اعتراض به تعطیلی روزنامه سلام داشتند، حمله‌ای از سوی نیروهای فشار و نیروی انتظامی به کوی دانشگاه انجام شد. در این حادثه چندین نفر کشته شدند و به خوابگاه دانشجویان خساراتی وارد شد. این اتفاق تأثیر بسزایی درروند تغییر گفتمان تحکیم بازی کرد. بعد از این اتفاق گفتمان اعتراضی بسیار پررنگ شد و جایگاه مظلومیت نیز در گفتمان تحکیم حضور یافت. «کربلای کوی دانشگاه»، «تهاجم خونین» ... از دال‌های این حوزه است. به مناسبت سالگرد کوی دانشگاه دفتر تحکیم وحدت، بزرگداشت با عنوان «نفی خشونت» برگزار کرد. انتخابات مجلس ششم در بهمن ۷۸ برگزار شد و دفتر تحکیم با حداکثر ظرفیت به انتخابات وارد شد و ۵ نماینده اختصاصی به مجلس فرستاد. در بحبوحه این انتخابات دفتر تحکیم بیانیه‌ای منتشر کرد و خواستار برگزاری انتخابات سالم و دمکراتیک با مشارکت آحاد ملت و رقابت آزاد و برابر تمام گروه‌های سیاسی شد و عنوان کرد و شرایط خود

را برای ائتلاف «عدم کاندیدای مشترک با طیف محافظه‌کاران و جریان راست و نیز عدم حضور هاشمی رفسنجانی در لیست مشترک عنوان می‌کند» (*Sobh–Emrouz, 2000/1/6:3*).

بررسی موضوعات مورد بررسی در نشست‌های سالانه و همچنین افراد مدعو نیز روایت‌گر تغییر گفتمان این دفتر است. سرفصل‌هایی مانند «آینده اصلاحات»، «نفت در اقتصاد ایران»، «آموزش مبانی توسعه و تطبیق تجارب توسعه در دنیا»، «وضعیت فرهنگی ایران»، «نسبت میان دین و حکومت»، «بررسی برنامه سوم توسعه و ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت» با دعوت از افرادی چون سروش، کدیور، جلائی‌پور، هدی صابر، فریبرز رئیس دانا و فرشاد مؤمنی، احمد میدری ... در برنامه نشست جنجالی خرم‌آباد می توان اشاره کرد. نشستی که در نهایت به خاطر حمله گروه‌های فشار برگزار نشد (*Hayat – No, 2000/8/22:2*). بررسی متون بیانیه‌ها و همچنین موضوعات مورد توجه نشان می‌دهد توسعه در این دوره از دال‌های اصلی گفتمان تحکیم می‌شود. به حاشیه رانده شدن دال‌های «استعمارستیزی»، «غرب غارتگر»، «طرد سرمایه‌داری»، و از سویی فراخوانده شدن دال‌هایی مانند «مشارکت مردم»، «حق شهروندی»، «آزادی» و ... نشان از طرد گفتمان رویکرد وابستگی در توسعه است. کم‌کم در این گفتمان دال‌هایی مانند «رابطه مطلوب با دنیا»، «برابری فرصت‌ها»، «نفی اقتصاد رانتی»، «عدالت اجتماعی» و «برطرف کردن شکاف طبقاتی» و «لزوم توجه به مفاهیم توسعه» مورد توجه قرار می‌گیرد. گفتمان دولت مستقر که پایگاه اصلی سیاسی آن در جناح چپ بود بر حوزه توسعه سیاسی و فرهنگی بیشتر تأکید داشت؛ و بررسی سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های توسعه‌ای که در زمان این دولت نوشته شده نشان می‌دهد دال‌های گفتمان آن در حوزه اقتصاد سیاسی به گفتمان سوسیال ـ دموکراسی نزدیک‌تر است (*Amini, 2015:8*). خلاصه‌ای از دال‌های اصلی برنامه سوم توسعه را می‌توان به گسترش عدالت اجتماعی، توزیع متعادل خدمات درمانی، سرمایه‌گذاری اشتغال‌زا، پرداخت یارانه به کالاهای اساسی و گسترش سازمان‌های حمایتی اقشار آسیب‌پذیر اشاره کرد. دال‌های برنامه چهارم توسعه به تهیه و اجرای برنامه‌های جامع فقرزدایی در کشور، مشارکت نهادهای غیر دولتی و مؤسسات خیریه در برنامه‌های فقرزدایی، اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی، اجرای سند ملی توسعه ویژه با موضوع فقرزدایی اشاره دارد (*Ibid:152*). این رویکرد را در گفتمان دفتر تحکیم نیز می‌توان سراغ گرفت. بررسی ارزش تجربی متون که بار ایدئولوژیک متن تحلیل می‌شود نیز نشان‌گر این موضوع است. همچنین افرادی که به سخنرانی‌ها و نشست‌های تحکیم دعوت

می‌شوند نیز اشخاصی با این تفکر هستند. احمد میدری و فرشاد مؤمنی با رویکرد اقتصاد نهادگرا، جلائی‌پور و تاج‌زاده و آغاجری با رویکرد چپ مدرن مثال‌هایی از این دست هستند.

دوره سوم: دهه ۸۰

دهه ۸۰ با تجربه بحران‌های سیاسی متفاوت و جایگاه تأثیرگذار و جریان ساز جنبش دانشجویی شروع شد. تصور این جریان‌سازی و جایگاه در میان رهبران دفتر تحکیم وحدت سبب شد که در نشستی در گرگان با انتقاد از عملکرد دولت خاتمی و ناتوانی او در تحقق شعارهایش، بحث عبور از خاتمی مطرح شود. از سویی در بدنه تحکیم اختلافاتی بروز پیدا کرده بود. طیف مدرن ادامه اصلاحات در چارچوب قانون اساسی را نفی و دولت خاتمی را نقد می‌کرد و طیف سنتی در واکنش به این دیدگاه همچنان از سنت‌های ارتدکس جریان اصلاحات و دولت خاتمی دفاع می‌کرد. افزایش شکاف گفتمانی در کنار افزایش اختلاف تشکیلاتی تحکیم را در وضعیت بحرانی قرار می‌داد (*Mahmoudi, 2019:55*). دانشجویان طیف مدرن با برگزاری نشست در دانشگاه علامه و طیف سنتی در دانشگاه شیراز هر کدام شورای مرکزی خود را تشکیل دادند. طیف علامه با دارا بودن حداکثر مشروعیت دانشجویی فعالیت خود را تا سال ۸۷ ادامه داد و در این سال در دولت محمود احمدی‌نژاد توسط هیئت نظارت بر تشکل‌های وزارت علوم، سلب امتیاز شد.

ارزش تجربی: مفاهیم ایدئولوژیک متون این دوره «حقوق بشر»، «خرد خود بنیاد»، «نفی استبداد»، «توسعه فرهنگی و اجتماعی»، «آزادی اندیشه»، «آزادی‌های فردی»، «تخصص گرایی»، «آزادسازی اقتصادی»، «دموکراسی»، «جمهوری‌خواهی»، «مقاومت مدنی»، «تکثرگرایی»، «نفی نظارت استصوابی»، «تحریم انتخابات»، «دوری از ایدئولوژی»، «انتقاد به خاتمی» است. دفتر تحکیم در بیانیه‌ای به‌طور مشخص بیان می‌دارد معین شدن هنجارها و حتی ساز و کار قدرت بر مبنای نظر مردم و استدلال‌های عقلانی شکل می‌گیرد «در یک جامعه باز سازوکار قدرت و حتی هنجارها در حوزه عمومی با گفت‌وگو و استدلال عقلانی مشخص می‌شود (*Hayat – No, 2002: 5/18:8*). حتی در مسئله فلسطین نیز راه حل نهایی را «خواست و اراده ملت فلسطین» عنوان می‌کنند. در نشست انجمن‌های اسلامی در سال ۸۱، پیشنهاد می‌دهد که رفراندوم در چهار محور تحقق دموکراسی، عملکرد نهادهای انتصابی، ظرفیت قانون اساسی و مذاکره با آمریکا در راستای تأمین منافع ملی از طریق نمایندگان مردم در دولت و مجلس در نیمه اول خرداد در سطح دانشگاه‌ها کشور برگزار شود (*Hayat – No, 2002: 5/21:2*). جایگاه دین و روحانیت با توجه به اهمیتش در گفتمان

دهه ۶۰ نیز بسیار جالب توجه است. در بیانیه پایانی نشست در شهرکرد با عنوان «پاسداشت روحانیت مستقل و روشنفکری دینی» عنوان می‌سازد «دین تنها در عرصه اجتماعی و نهادهای مدنی و رقابت با سایر گزینه‌ها می‌تواند عرصه عمومی را به‌سوی خود جلب کند» (*Hambastegi, 2002/8/4*). این بیانیه ازاین‌جهت اهمیت دارد که دفتر تحکیم که زمانی دال مرکزی گفتمانش اسلام فقاهتی بود، دین را در کنار سایر گزینه‌ها می‌نشاند و رقابت را برای جلب نظر عموم مطرح می‌سازد. در سال ۸۲ تحکیم اردویی در دانشگاه تربیت معلم با شعار «دفاع از حقوق بشر و دموکراسی، راهبرد جمهوری‌خواهی» برگزار نمود. در سال ۸۳ در بیانیه اردوی سالانه «دانشگاه را محل نقادی و به پرسش گرفتن پیش‌فرض‌های بدیهی انگاشته شده جامعه و حکومت و نقد آگاهی کاذب معرفی می‌کند. این دو کار ویژه دانشگاه به واقع متکی و برآمده از اصل اساسی به رسمیت شناختن خرد خود بنیاد و حق دخالت و قضاوت انسان‌ها بر این اساس در تمامی سطوح زندگی‌شان است» (*Shargh, 2004/6/6/*). در سال ۸۴ در قطعنامه راهبردی دفتر تحکیم، بر دوری از قدرت تأکید می‌کند و استراتژی خود را دیده‌بانی جامعه مدنی و فعال کردن حوزه عمومی قرار می‌دهد می‌خواهد با همراهی سایر نهادهای مدنی «زنجیره مقاومت مدنی» تشکیل داده و مانع از فتح جامعه توسط حاکمیت گردد (*Shargh, 2005/12/5*). عبارت‌بندی افراطی در بستر تحقق خواسته‌ای مردم در جهت دموکراسی و حقوق بشر به چشم می‌خورد. جملات مجهول در متن دیده می‌شود. از آنجا که گفتمان بسیار انتقادی است اما در اکثر موارد نمی‌توانند مرجع را به‌طور مشخص بیان کنند از جملات مجهول برای اینکه سببیت آشکار نشود، در متن استفاده شده است.

ارزش‌های رابطه‌ای: «ما» و «شما» ی مانع در متن وجود دارد. «ما» در اینجا اکثریتی دارای حق است که در جایگاه مظلومیت قرار دارد و نسبت به پایمال شدن حقوقش اعتراض دارد و در جهت برچیده شدن استبداد فعالیت می‌کند. «شما» نیز مخاطب اکثر بیانیه‌ها است که زمینه استبداد را فراهم می‌کند و مانع برقراری دموکراسی است. تعابیر غیریت‌ساز در متن دیده می‌شود. تعابیری مانند گروه غیر قانونی، تفکر قرون‌وسطایی، کژاندیش سیه‌پوش، گروه‌های خودسر و خشونت‌طلب.

ارزش‌های بیانی: ارزش‌های بیانی با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سر و کار دارد. وجهیت رابطه‌ای افعال این متون حاکی از دیدگاهی شفاف نسبت به جهان است. استعاره در متن به‌وفور به چشم می‌خورد. با توجه به اینکه متن انتقادی است از استعاره‌ها برای هدف انتقادی زیاد استفاده می‌شود.

تفسیر: گفتمان دموکراسی‌خواهی، در بستر گفتمان آرمان‌خواهی با گفتمان اعتراضی مفصل‌بندی شده است. آرمان‌خواهی با دال‌هایی چون نفی استبداد، آزادی اندیشه، جمهوری‌خواهی، تخصص‌گرایی تصویر می‌شود. گفتمان اعتراضی با دال‌هایی نظیر اعتراض به عدم رعایت حقوق بشر، شیوه حکومتی، قوه قضاییه و حتی خود دولت خاتمی نمایان است. برجسته‌سازی بیشتر با مؤلفه‌هایی چون تأکید بر خرد خود بنیاد، آزادی‌های فردی، آزادسازی اقتصادی، جمهوری‌خواهی، پارلمان دانشجویی، حقوق بشر، مقاومت مدنی، برگزاری رفراندوم است. تخاصم هویتی نیز در متن به آشکار تأکید می‌شود. قابلیت دسترسی گفتمان از حیث حضور گفتمان دیگری به‌عنوان گفتمان رقیب و جایگزین، بسیار کم است. گفتمان‌های دیگری هم در تریبون رسمی وجود دارد و همچنین در حوزه گفتمان اصلاحات نیز گفتمان‌های رقیبی که توانایی رقابت برای هژمون شدن را دارد، وجود دارد؛ و همچنین قابلیت دسترسی این گفتمان از نظر ادبیات قابل فهم نیز خیلی قرابتی با متن جامعه و حتی در سطح سیاسیون کشور را ندارد.

جدول ۳: دال‌های مرکزی گفتمان دفتر تحکیم وحدت در خصوص توسعه در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷

Table 3: *Core Tenets of the Office for Strengthening Unity's (Daftar-e Tahkim-e Vahdat) Discourse on Development (2001–2008)*

۱	حقوق بشر	۱۲	جمهوری‌خواهی
۲	استدلال عقلانی	۱۳	آزادی‌های فردی
۳	خرد خود بنیاد	۱۴	تخصص‌گرایی
۴	آزادسازی اقتصادی	۱۵	پارلمان دانشجویی
۵	خصوصی‌سازی	۱۶	دوری از قدرت
۶	استبداد ستیزی	۱۷	تکثرگرایی
۷	مقاومت مدنی	۱۸	برگزاری رفراندوم
۸	ناجی دیدن آمریکا (بیانیه بهار بغداد)	۱۹	عبور از خاتمی
۹	جامعه باز	۲۰	دوری از ایدئولوژی
۱۰	تغییر کلی ساخت سیاسی با رفراندوم	۲۱	تخصص‌گرایی
۱۱	تقویت حوزه عمومی	۲۲	کنشگری مؤثر

تبیین: دفتر تحکیم وحدت در اسفند ۱۳۸۰ رسماً دچار انشعاب شد، طیف مدرن در ائتلاف با طیف میانه تحکیم نشستی در دانشگاه علامه برگزار کرد و طیف سنتی نشستی در دانشگاه شیراز برگزار کرد و هر دو اعلام رسمی بودن کردند. وزارت علوم در دوران دولت

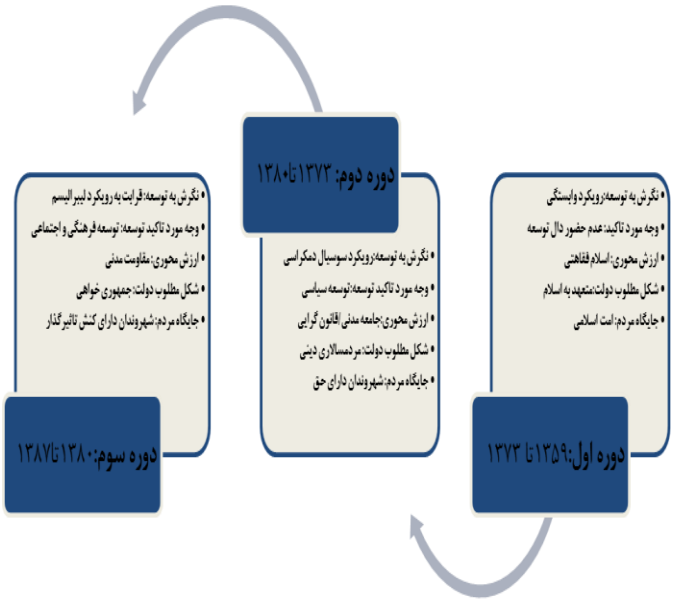
اصلاحات هر دو طیف تحکیم را به رسمیت شناخت. «برگزاری رفراندوم» برای خروج از بن‌بست که به نظر تحکیم در کشور حاکم بود، از دال‌های مورد تأکید این گفتمان بود، به‌گونه‌ای که در قطع‌نامه پایانی تجمع ۱۶ آذر ۱۳۸۱ رفراندوم را تنها راه مسالمت‌آمیز پیش روی ملت معرفی می‌کند (*ISNA, 2002/9/16*). در این دوره مفاهیم «جامعه باز» و «استدلال عقلانی» در گفتمان دفتر نقش پیدا می‌کند. «در جامعه باز که ساز و کار اعمال قدرت و حتی هنجارها نیز در حوزه عمومی و با گفت‌وگو و استدلال عقلانی مشخص می‌گردد ...» (*Hayat – No, 2002/5/23*). تغییر گفتمان از مبارزه با استعمار در دهه ۶۰ تا مبارزه با استبداد در دهه ۸۰ از دیگر تغییرات شایان توجه است. در ۱۶ آذر ۸۲ تجمعی با عنوان «نیم قرن مبارزه با استبداد» برگزار می‌گردد. از نکات قابل‌توجه این تجمع در دست داشتن پلاکارد «۱۶ آذر، روز به خون کشیده شدن ندای آزادی‌خواهی» است، ۱۶ آذر که در دوره‌های پیشین نماد مبارزه با استعمار بود، حال به نماد مبارزه با استبداد بدل می‌شود. در این تجمع نیز بر لزوم تشکیل «پارلمان دانشجویی» تأکید می‌شود. ۱۶ آذر ۱۳۸۳ محمد خاتمی در دانشگاه تهران در جمع دانشجویان حضور می‌یابد، این مراسم نماد دال «عبور از خاتمی» تحکیم و دانشجویان طرفدار آن است. دانشجویان با شعار «آزادی بیان چه شد؟»، از سخنان خاتمی استقبال می‌کنند. نماینده انجمن نیز در سخنانی انتقادی به رئیس جمهور می‌گوید: «انتظار دانشگاه از خاتمی کجا و عملکرد رئیس‌جمهور کجا؟».

همان‌گونه که متن نشان می‌دهد دال‌های مرتبط با رویکرد وابستگی در این دوره جایی ندارد. دال مرکزی «استعمار» جایش را به «استبداد» داده است، دیگر ۱۳ آبان به‌عنوان روز مهم جنبش دانشجویی نقشی ندارد، آمریکا دیگر نقش امپریالیسم جهانی را بازی نمی‌کند. حتی در بیانیه معروف «بهار بغداد» تلویحاً از حمله آمریکا دفاع می‌کند و آن را راهی برای برقراری آزادی‌های اجتماعی و دفاع از حقوق بشر می‌داند. نگاه منفی به سرمایه‌گذاری و خصوصی‌سازی کم‌رنگ شده است. علی سیاسی راد از اعضای دفتر تحکیم در مصاحبه‌ای مطرح می‌سازد که «هنوز هم‌دوره احمدی‌نژاد برای خیلی از مارکسیست‌ها دوره‌ای طلایی است ... همه این‌ها تحت تأثیر شکل‌گیری دولتی است که فرایند توسعه را در ایران با مشکل مواجه کرد. طبقه متوسط وقتی رشد می‌کند، به‌طور طبیعی دنبال اقتصاد بازار آزاد، خصوصی‌سازی، آزادسازی اقتصادی، آزادی اجتماعی و سیاسی می‌رود». همچنین مطرح می‌سازد «ما روی مواضع اقتصادی مهندس موسوی مسئله داشتیم. در پلی تکنیک گرایش چپ سنتی غالب نبود. به لحاظ اقتصادی، سیاست‌های آقای هاشمی را بد نمی‌دانستیم. یا در حوزه سیاست خارجی رابطه با آمریکا را منفی تلقی نمی‌کردیم» (*Mahmoudi, 2019:84*).

دال‌های موجود در این دوره مانند تأکید بر «آزادی فردی»، «کاهش اختیار نهادهای انتصابی مرتبط با سنت»، «دوری از ایدئولوژی»، «تخصص‌گرایی»، «گسترش دموکراسی»، «عرفی شدن»، «لزوم کارایی»، «تفکیک نقش» نشان از آن دارد که گفتمان این دوره قرابت بیشتری با گفتمان رویکرد لیبرالی در حوزه توسعه دارد. سخنران‌هایی هم که در نشست‌ها از آنان دعوت می‌شود مانند حاتم قادری، غنی‌نژاد و نیلی به طیف لیبرال نزدیکی بیشتری داشتند.

نتیجه‌گیری

جنبش دانشجویی و به‌طور خاص دفتر تحکیم وحدت در زمان حیات خود دوره‌های مختلفی را تجربه کرده است. این دوره‌ها را می‌توان بر مبنای تغییر گفتمان، از سال ۵۹ تا ۷۳ و دوره دوم آن را از ۷۳ تا ۸۰ و دوره سوم از ۸۰ تا ۸۷ تقسیم‌بندی نمود. هر کدام از این دوره‌ها نگاه خاصی به توسعه داشته‌اند. همچنین در این دوره‌ها کنشگری‌های دفتر تحکیم بر مبنای گونه خاصی از جنبش قابل تبیین است.



شکل ۱: سیر تغییر گفتمانی دفتر تحکیم در طول زمان

Figure 1: *The Trajectory of the Office for Strengthening Unity's (Daftar-E Tahkim) Discursive Shift over Time*

دوره اول حیات تحکیم، این دفتر از جایگاه ویژه‌ای در ساختار قدرت سیاسی حاکم برخوردار است. تسخیر سفارت آمریکا و انقلاب فرهنگی از نکات اصلی کارنامه تحکیم در این دوره است. گفتمان این دوره مفصل‌بندی از گفتمان اسلام فقاهتی و گفتمان چپ است. از جمله دال‌های اصلی آن می توان به «طرد مبانی تجددی اقتصاد لیبرال»، «تقبیح مستکبران غارتگر»، «لزوم جهت‌گیری علوم تجربی در راستای ارزش‌های مکتب»، «منحرف دانستن تفکر اصالت علم»، «امت‌گرایی»، «استعمارستیزی»، «ضدیت با سرمایه‌داری»، «طرد مبناییت بازار»، «طرد آزادی تجاری»، «ضدیت با تخصص»، «طرد نگرش فردگرایانه»، «طرد تکنوکراسی» اشاره کرد. گفتمانی که نشان از نزدیکی به رویکرد وابستگی در حوزه توسعه دارد. فعالیت این دفتر از آنجا که بقول تیلی (۱۹۸۴)، فرصت‌های سیاسی لازم را برای ظهور دارد یعنی از طرف حکومت حمایت‌های لازم را می‌شود امکان کنشگری فعال را دارد. گفتمان این دفتر همخوانی با گفتمان سیاسی دولت مستقر در این دوره که دولت مهندس موسوی است، دارد. دفتر تحکیم نیز با سیاست‌های دولت مانند اقتصاد تعاونی، خودکفایی نظام و افزایش نقش دولت همراهی می‌کند.

دوره دوم این دفتر با تغییر در گفتمان آن از سال ۷۳ شروع می‌شود. هر چند زمینه‌های این تغییر گفتمان بعد از فوت امام خمینی و به حاشیه رفتن جناح چپ شروع می‌شود. این حاشیه‌نشینی سیاسی و همچنین تأثیرات فکری که نتیجه آموزه‌های دکتر سروش و آشنایی افراد ذی‌نفوذ این دفتر با نظریات غرب در خصوص توسعه است؛ سبب می‌شود گفتمان این دفتر به سوی دال‌هایی چون «توسعه پایدار»، «کاهش فاصله طبقاتی»، «حاشیه‌رانی استعمارستیزی»، «شکل‌دهی برنامه اقتصادی»، «مشارکت مردم»، «قانون‌گرایی»، «توسعه سیاسی»، «توسعه فرهنگی»، «جامعه مدنی»، «آزادی»، «تنش‌زدایی با غرب»، «شهروندانی دارای حق» بچرخد. این چرخش گفتمانی سبب می‌شود رویکرد وابستگی در حوزه توسعه به حاشیه رانده شود. گفتمان این دوره دفتر نزدیک به توسعه از جنس گفتمان سوسیال ـ دموکراسی است. از سویی گفتمان دولت خاتمی که حاکم است، نیز از این جنس است. کنشگری این دوره در قالب جنبش‌هایی از جنس ساخت محور می‌گنجد، بر مبنای نظریات ساخت محور طبقات متوسط جدید و گروه‌های کالایی نشده برای مقاومت در برابر عقلانیت ابزاری، جنبش‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. این جنبش‌ها از طریق نقد عقلانی و اندیشه ورزی دمکراتیک (یعنی اندیشه‌های مبتنی بر وفاق) حوزه عمومی را تقویت می‌کنند.

شروع دوره سوم را می‌توان از نشست سال ۷۹ دفتر تحکیم، در گرگان دانست. در این نشست بحث «عبور از خاتمی» مطرح می‌شود و همچنین سرآغاز انشعاب در دفتر تحکیم

می‌شود. این دوره تحت تأثیر ناکامی در تحقق خواست‌های دانشجویی، طیف علامه مواضع تندتری از جناح اصلاح‌طلب مطرح می‌کند. دال‌های اصلی گفتمان این دوره شامل «جمهوری‌خواهی»، «خرد خود بنیاد»، «خصوصی‌سازی»، «آزادسازی اقتصاد»، «تخصص‌گرایی»، «نفی استعمارستیزی»، «حقوق بشر»، «استبداد ستیزی»، «مقاومت مدنی»، «برگزاری رفراندوم» می‌شود. دفتر تحکیم که از مبانی اصلی اساس‌نامه‌اش دشمنی آشکار با امپریالیسم آمریکا است، در بیانیه «بهار بغداد» تلویحاً از حمله آمریکا دفاع می‌کند و آن را راهی برای برقراری آزادی‌های اجتماعی و دفع از حقوق بشر می‌داند. در گفتمان این دوره به‌طور آشکار رویکرد وابستگی توسعه جایی ندارد، از سویی تمایل به رویکرد لیبرال توسعه، بسیار پررنگ می‌شود. تأکیدی که بر عقل‌گرایی، کاهش نقش نهادهای انتصابی مرتبط با سنت، تخصص‌گرایی، جدایی دین از سیاست یا بحث مقاومت مدنی و رویکردی که این استراتژی نسبت به قدرت دارد، همه حاکی از قرابت این گفتمان با رویکرد لیبرالی توسعه دارد. کنشگری جنبش در این دوره در قالب مقاومت گروه‌های کالایی نشده می‌گنجد، گروه‌هایی که به دنبال ارزش‌های دمکراتیک هستند. همچنین می‌توان بر مبنای نظریات پست‌مدرن ملوچی (۱۹۸۹)، که در حوزه جنبش مطرح می‌کند، مدعی شد که مبارزات این جنبش به دنبال کسب قدرت نیست بیشتر در پی ایجاد فضایی برای عقاید اعضای خویش و کسب هویت در حوزه جامعه مدنی هستند. بررسی تاریخ گفتمان دفتر تحکیم نشان می‌دهد این دفتر توسعه را در مقام «کل» ندیده است. توسعه در جمع‌بندی دیدگاه‌های متفاوت «مجموعه تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی» مطرح می‌شود (*Flora & Flora, 2005:496; Todaroo, 1985:115*). جریانی چند بعدی که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است. نگاه چندبعدی به توسعه حضوری ندارد. این تفاوت گفتمانی در مسیر زمان نا هم‌جهت است و چه بسا تناقض‌های آشکار در آن به چشم می‌خورد. همچنین در خصوص مفهوم توسعه و مصداق آن در گفتمان تحکیم صراحت ندارد و به نوعی امتناع گفتمانی در این خصوص به چشم می‌خورد.

References:

Abazari, Y.; & Roozkhosh, M. (2017). "The Islamic Left and Liberal Development in Iran", Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran, No. 1, 41–66. (Persian).

Amini, Y. (2015). "A Comparative Study of Economic Development Discourses and Their Influencing Factors in Post-Islamic Revolution Administrations (Unpublished Doctoral Dissertation in Economic Sociology)", Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Iran. (Persian).

Bashiriyeh, H. (2002). "An Introduction to the Political Sociology of Iran: The Islamic Republic Era", Tehran: Negah-e Mo'aser. (Persian).

Chambers, T., & Phelps, C. E. (1993). "Student activism as a form of leadership and student development", NASPA Journal, 31(1), 19-29.

De Saussure, F. (2003). "Course in General Linguistics", Translated by Kourosh Safavi. Tehran: Hermes Publishing. (Persian).

Della Porta, D.; & Diani, M. (2004). "An Introduction to Social Movements", Translated by Mohammad Taghi Delforouz. Tehran: Kavir Publications. (Persian).

Dugan, J. P., & Komives, S. R. (2010). "Influences on college students' capacities for socially responsible leadership", Journal of College Student Development, 51(5), 525-549.

Fairclough, N. (2000). "Critical Discourse Analysis", translated by Fatemeh Shayesteh-Piran & et. al, Tehran: Center for Media Studies and Research. (Persian).

Flora, C.B and Jan L. Flora (2005). "The Sociology of Development, In Bryant C. D and D. L. Peck (Eds) 21st century sociology: A reference handbook", London: Sage: 496-506.

Forghani, M. M. (2002). "The Evolution of Political Development Discourse from the Constitutional Revolution to the End of the Second Decade of the Islamic Revolution (Unpublished PhD dissertation in Communication)", Allameh Tabataba'i University, Iran. (Persian).

Hezarjaribi, J.; Safari Shali, R. (2013). "The Discourse of Justice in Post-Islamic Revolution Development Plan Bills", Social Sciences Quarterly, No. 61, pp. 1–44. (Persian).

Hopkins, P., & Todd, L. (2015). "Creating an intentionally dialogic space: Student activism and the Newcastle Occupation 2010", Political Geography, 46, 31-40

Ibrahim, J. (2011). "The new toll on higher education and the UK student revolts of 2010–2011", Social Movement Studies, 10(4), 415-421.

Jalaeipour, H. (2002). "Sociology of Social Movements", Tehran: Tarh-e No (1st Edition). (Persian).

Johnston, H. (2020). "What Is a Social Movement?", Translated by Saeed Keshavarzi & Maryam Karimi. Tehran: Sales Publishing.

Jorgensen, M.; Phillips, L. (2010). Discourse Analysis as Theory and Method, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing. (Persian).

Kalantari, A.H. (2008). "The Discursive Evolution of the Office for Strengthening Unity (Daftar-e Tahkim-e Vahdat) (Unpublished PhD dissertation in Political Sociology)", Allameh Tabataba'i University, Iran. (Persian).

Katouzian, M. A. (1993). "The Political Economy of Iran: From the Constitutional Revolution to the End of the Pahlavi Dynasty", translated by Mohammad-Reza Nafisi, Tehran: Markaz Publishing. (Persian).

Kezar, A., & Maxey, D. (2014). "Collective action on campus toward student development and democratic engagement", New Directions for Higher Education, 2014(167), 31-41.

Kord-Zangeneh, M.; Vahida, F.; & Mohajerani, A. A. (2020). "Discourse Analysis of the Meaning of Rural Community Development in Post-Revolutionary Iranian Government Five-Year Plans", Social Development Quarterly, Vol. 15, No. 2, pp. 247-280. (Persian).

Mahmoudi, E. (2019). Moving Beyond 'Tahkim' (Consolidation), Tehran: Ney Publishing. (Persian).

Mashayekhi, M. (2001). "The revival of the student movement in post-revolutionary Iran", International Journal of Politics, Culture, and Society, 15(2), 283-313.

McMichael, Ph. (2004). Development and Social Change: A Global Perspective. 3d ed. Thousand Oaks, CA: Pine ForgePress.

Mohammadi, M. (2007). "Iranian University Students' Politics in the Post-Reform Movement Era: A Discourse Analysis", Iranian Studies, 40(5), 623-634. (Persian).

Mohammadpour, A. (2018). Anti-Method, Tehran: Logos Publishing. (Persian).

Mohammadpour, A.; & Iman, M. T. (2008). "Semantic Reconstruction of the Consequences of Economic Changes in the Uraman Takht Region of Iranian Kurdistan: Presenting a Grounded Theory", Social Welfare Quarterly, No. 27, pp. 191–213. (Persian).

Nash, K. (2015). Contemporary Political Sociology, translated by Mohammad-Taghi Delfrouz, Tehran: Kavir Publications. (Persian).

Nederveen Pieterse, J. (2015). Development Theory: Culture, Economy, Society, translated by Anwar Mohammadi, Tehran: Gol-Azin. (Persian).

Peet, R.; & Hartwick, E. (2022). "Theories of Development: Contentions, Arguments, and Alternatives", Translated by Soleiman Mirzaei & Adel Ebrahimi. Tehran: Luyeh Publishing. (Persian).

Rheingans, R., & Hollands, R. (2013). "There is no alternative?': Challenging dominant understandings of youth politics in late modernity through a case study of the 2010 UK student occupation movement", Journal of Youth Studies, 16(4), 546-564

Rivetti, P. (2012). Student movements in the Islamic Republic: shaping Iran's politics through the campus. Iran: A Revolutionary Republic in Transition, 81-100.

Simon, D. (2020). "Fifty Key Thinkers on Development", Translated by Mehdi Farahmand-Nejad. Tehran: Sales Publishing. (Persian).

Todaro, M. (1987). "Economic Development in the Third World", Translated by Gholamali Farjadi. Tehran: Ministry of Planning and Budget Publications. (Persian).

Van Stekelenburg, J., & Klandermans, B. (2013). "The social psychology of protest", Current Sociology, 61(5-6), 886-905.

The Discourse of Development in Iran's Student Movement (Case Study: Office of Tahkim-e Vahdat)

Hoda Davari[1], *Ahmadreza Asgharpour Masouleh (Ph.D)*[2]
Mehdi Kermani (Ph.D)[3], *Rohollah Eslami (Ph.D)*[4]

Doi: 10.22055/QJSD.2024.44982.2878

Abstract:

This article examines the discourse of development within the student movement, particularly the office of Tahakim Vahdat. Drawing on Fairclough's critical discourse theory and a combined approach based on Fairclough and Mouffe, the statements, actions, and interviews of influential figures were analyzed through intensity, political, and theoretical sampling. The texts were examined at three levels: textual features, discourses within the texts, and their relationship with political and social conditions, focusing on processes of highlighting, marginalization, accessibility, and equivalence. The findings indicate three distinct periods: the 60s to the early 70s, the 70s, and the 80s. In the first, development was viewed through a dependency-oriented approach; Islamic jurisprudence was central, the desired government was committed to Islam, and people were conceptualized as the Islamic Ummah. In the second, a social-democratic approach emphasized political development, civil society, and the rule of law, with religious democracy as the desired government and people as rights-bearing citizens. In the third, the discourse shifted toward liberalism, emphasizing cultural and social development, civil resistance, and the republic, while conceptualizing people as active citizens.

Key Conceptss: *Discourse Analysis, Development, Tahkim Vahdatt, Student Movement*

[1] PhD Student in Economic Sociology and Development, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, hoda_davary@yahoo.com
[2] Assistant Professor, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author), asgharpour@um.ac.ir
[3] Assistant Professor, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, m-kermani@um.ac.ir
[4] Assistant Professor, Department of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, eslami.r@um.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).